سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: فقه فارسی یا شرعیات جدید بانضمام اخلاق

مولف: سید محمد قمی

موضوع: فقه. اخلاق — زبان: فارسی

سال چاپ: ۱۳۴۹ ق — محل چاپ: تهران

کاتب:

طول: ۱۶٫۵ — عرض: ۱۰٫۵ — شماره صفحه ها: ۱۲۶ صفحه

شماره عمومی: ۲۸۸۶۴ — کتابخانه / بخش:

وقفی / خریداری: — تاریخ:

مصور ☐ درسی ☒ گراوری ☐ افست ☐

ملاحظات: دوره دوم و سوم - مخصوص کلاس پنجم و ششم مدارس ابتدائی

فقه فارسی یا شرعیات جدید

بانضمام اخلاق

دوره دوم و سوم

مخصوص کلاس پنجم و ششم مدارس ابتدائی

تألیف

جناب مستطاب شریعتمدار آقای میرزا سید محمد قمی

مطابق

پروگرام وزارت جلیله معارف

چاپ دهم

کتابخانه آستان قدس مشهد
شماره ثبت ۳۱۰۴۹۵
تاریخ ۸ آبان ۱۳۴۹
۲۳۹۴۶۵

حق طبع محفوظ و مخصوص است بشرکت محدود طبع کتاب خیابان ناصریه

بسم الله الرحمن الرحیم

درس اوّل — فصل اوّل

اصول دین اسلام چیزیست که هرکس بآن اعتقاد داشته باشد مسلمان است وهرکس اعتقاد نداشته باشد کافر است وآن سه امر است

اوّل — توحید — دوّم — نبوّت — سوّم — معاد.

اصول مذهب شیعه چیزیست که هر مسلمان باید اعتقاد داشته باشد شیعه است والا سنّی است وآن دو امر است اوّل عدل — دوّم امامت — پس مجموع اصول دین ومذهب پنج امر است اوّل توحید — دوّم نبوّت — سوّم معاد — چهارم عدل — پنجم امامت.

درس دوّم

اصول دین

توحید — یعنی خداوند عالم یك ویگانه است وشریك ندارد بدلیل اینکه اگر از برای خدا شریك باشد هر کدام از آنها میخواهند عالم را باراده خود نظم وترتیب دهند درانصورت عالم از نظام افتاده وفاسد میشود.

نبوّت — یعنی خداوند از برای هدایت بندگانش پیغمبرانی فرستاده که کارهای خوب وبد را بآنها بفهمانند ومردم را براه راست دلالت کنند بدلیل اینکه اگر خداوند پیغمبرانرا نمیفرستاد بندگانش در ضلالت وگمراهی میافتادند واین ظلم است وخداوند ظالم نیست وعده پیغمبرانرا یکصد وبیست وچهار هزار گفته‌اند اوّل آنها آدم وآخر آنها پیغمبر ما محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله که اشرف وخاتم پیغمبرانست وپیغمبری بوجود مبارك او ختم شد.

معجزه — هر پیغمبری برای اثبات پیغمبری خود علامتی داشته که سایر مردم از آوردن بمثل آن عاجز بوده‌اند ودلالت بر پیغمبری آن مینموده وآنرا معجزه میگویند ومعجزات پیغمبر ما

نام کتاب
مولف
موضوع
سال چاپ
کاتب
طول ۱/۵
شماره عمومی
وقفی / خریداری
مصور
ملاحظات

بسیار است بزرگترین معجزه اش قرآن است که تا قیامت باقیست و در خوبی و فصاحت کسی بمثل آن نمیتواند بیاورد

درس سیم

معاد - یعنی خداوند عالم تمام مردم را در روز قیامت دوباره زنده مینماید و جزای هر کس را خواهد داد و هر کس در دنیا کار خوب کرده به بهشت میرود و هر کس کار بد کرده بجهنم میرود بدلیل آنکه ظلم در دنیا بسیار واقع میشود و تمام آنها در دنیا جزا داده نمیشود پس باید روز جزائی باشد که در آن روز داد مظلوم از ظالم گرفته شود و هر کس باجر خود برسد.

عدل - یعنی خداوند بر هیچ مخلوق ظلم نمیکند نه در دنیا و نه در آخرت و جزای خوب را خوبی و جزای بد را بدی میدهد بدلیل آنکه ظلم قبیح است و کار قبیح بر خدا روا نیست

درس چهارم

امامت - یعنی پیغمبر ما برای خود دوازده خلیفه

معین کرده که بعد از وفات او هر یک بعد از دیگری جانشین پیغمبر و امام و پیشوای مردمند برای اینکه احکام خدا را حفظ نموده و برای مردم بیان فرمایند و دلیل امامت ایشان این است که بعد از پیغمبر از همه مردم اعلم و افضل بودند و پیغمبر از جانب خدا بتصریح بامامت ایشان اشاره کرده است

درس پنجم - فصل دوم

در اسم و صفات خدا تعالی

صفات ثبوتیه - خداوند تبارک و تعالی را اسمهای بسیار است و صفات بیشمار بزرگترین اسمهای خداوند (الله) است و بزرگترین صفات خدا را هشت صفت شمرده‌اند و آنها را صفات ثبوتیه گویند

اول - قدرت یعنی خداوند بر هر چیز قادر و توانا است و عجز برا او جایز نیست - دوم - علم یعنی خداوند بر همه چیز عالم است و جهل و نادانی بر او روا نیست. سوم - حیوة یعنی خداوند بوده و خواهد بود و مرگ و فنا برای او نیست.

چهارم - اراده یعنی تمام مخلوقات را از روی قصد ایجاد و خلق
فرموده - پنجم ادراک یعنی همه چیزها را ادراک میکند و می فهمد
ششم سمع یعنی همه چیز را میشنود با اینکه مثل مخلوق گوش ندارد
هفتم بصر یعنی همه چیز را می بیند و مثل مخلوق چشم ندارد
هشتم تکلم یعنی خداوند سخن میگوید بدون اینکه مثل مردم
زبانی داشته باشد قادر و عالم و حی است و مرید و مدرک
پس سمیع است و بصیر و متکلم صادق دلیل ثبوت این صفات
آنستکه اینها صفات کمالیه و خدا کامل است پس باید دارای
این صفات باشد

صفات سلبیه - هر چه صفتهای بد و نقص است
و مخصوص باجسام خداوند عالم از آنها منزه و مبرا است
و عمده آنها هفت است که آنها را صفات سلبیه گویند
آنها از اینقرار است اول - آنکه مرکب از چیزی نیست.
دوم آنکه جسم نیست و مکان ندارد - سوم آنکه خدا بچشم
دیده نمیشود و مرئی نیست - چهارم آنکه محل نیست که چیزی

بر او عارض شود پنجم آنکه شریک ندارد ششم آنکه معانی
یعنی صفات زائد بر ذات ندارد و صفات خدا عین ذات است
هفتم بی نیاز از غیر است و محتاج بچیزی نیست نه مرکب
بود و جسم نه مرئی نه محل بی شریک است و معانی تو غنی دان خالق
و دلیل اینکه صفات در خدا نیست آنستکه اینها صفات
نقص است و خدا کامل است.

درس ششم - فصل سیم

در اسامی چهارده معصوم علیهم السلام

معصوم کسی استکه در عمر خود گناه نکرده باشد بعقیده
شیعه تمام پیغمبران و امامان معصوم بوده اند و ممکن
نیست از آنها گناهی سر زند بجهت اینکه اگر معصوم نباشند
اعتمادی بقول آنها نخواهد بود و پیغمبر (ص) با حضرت
زهراء و دوازده امام را چهارده معصوم گویند
پیغمبر ما اسمش محمد (ص) کنیه او ابوالقاسم و پدرش عبدالله
و مادرش آمنه بنت وهب است آنحضرت در روز هفدهم

۳۴۷۰

ربیع اول در سال پانصد و هفتاد میسحی در مکه متولد
شد و در چهل سالگی در بیست و هفتم ماه رجب به پیغمبری
مبعوث شد و آن روز را مبعث گویند سیزده سال
بعد از آن در سال ششصد و بیست و دو از تاریخ میسحی از
مکه معظمه بمدینهٔ طیبه هجرت فرمودند و آن سال اول
تاریخ هجریست ده سال هم در مدینه بودند و در بیست و
هشتم ماه صفر بنا بر مشهور وفات فرمودند
عمر شریفش شصت و سه سال قبر مبارکش در مدینهٔ طیبه است

درس هفتم

فاطمه زهراء علیها سلام دختر پیغمبر خدا است و در مدینه
مدفون است و اسمهای دوازده امام از اینقرار است
اول - حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
در نجف اشرف مدفون است .
دوم - امام حسن مجتبی علیه السلام پسر بزرگ امیرالمؤمنین
مدینه در بقیع مدفون است

سیم - امام حسین علیه السلام برادر کوچک امام حسن
در کربلای معلی مدفون است .
چهارم - امام زین العابدین علیه السلام پسر امام حسین
در بقیع مدفون است .
پنجم - امام محمد باقر علیه السلام پسر امام زین العابدین
در بقیع مدفون است .
ششم - امام جعفر صادق علیه السلام پسر امام محمد
باقر علیه السلام در بقیع مدفون است .
هفتم - امام موسی کاظم علیه السلام پسر امام جعفر
صادق علیه السلام در کاظمین مدفون است .
هشتم - امام رضا علیه السلام پسر امام موسی کاظم
در خراسان در مشهد مقدس مدفون است .
نهم - امام محمد تقی علیه السلام پسر امام رضا علیه السلام
در کاظمین مدفون است .
دهم - امام علی النقی علیه السلام پسر امام محمد تقی علیه السلام

در سامراء مدفون است .

یازدهم - امام حسن عسکری علیه السلام پسر امام علی النقی علیه السلام در سامراء مدفون است .

دوازدهم - امام محمد مهدی عجل الله فرجه پسر امام حسن عسکری علیه السلام هر وقت خدا خواهد ظاهر میشود و عالم را پر از عدل و داد مینماید بعد از انکه پر از ظلم و جور شده باشد

اهلبیت - اهل بیت پیغمبر(ص) عبارتند از حضرت فاطمه زهراء علیها السلام و دوازده امام که تکلیف هر مسلمانی آنستکه اهل بیت را دوست داشته و اوامر انها را اطاعت نماید در خوشحالی آنها مسرور و در مصیبت آنها غمگین بوده باشد

سؤالات

شرعیات کدامست ؟ - شرعیات بر چند قسم است ؟ - بچه دلیل برای عالم صانعی هست ؟ - خدا کیست ؟ - اصول

۱۱

دین اسلام چیست ؟ - اصول دین اسلام چنداست ؟ - اصول مذهب شیعه چیست ؟ - توحید یعنی چه ؟ - بچه دلیل ؟ - عدد پیغمبران چنداست ؟ - هر پیغمبری برای اثبات نبوت خود چه داشته ؟ - بزرگترین معجزهٔ پیغمبر چیست ؟ - معاد یعنی چه ؟ بچه دلیل ؟ - عدل یعنی چه ؟ - بچه دلیل ؟ - امامت یعنی چه بچه دلیل ؟ - صفات ثبوتیهٔ خدا چنداست ؟ - بچه دلیل این صفات برای خدا هست ؟ - صفات سلبیه چنداست ؟ - و کدامند ؟ - بچه دلیل این صفات برای خدا نیست ؟ - معصوم کدامست ؟ - کیها معصومند ؟ - بچه جهت ؟ - چهارده معصوم کیانند ؟ - اسم و نسب و تاریخ و تولد و هجرت و وفات پیغمبر(ص) را بیان نمائید ؟ - فاطمهٔ زهراء کیست ؟ - در کجا مدفونست ؟ - اسامی دوازده امام و مدفن آنها را بیان نمائید ؟ - اهل بیت پیغمبر کیانند و تکلیف ما نسبت بانها چیست ؟ -

کتاب دوم

درس هشتم - در عبادات

مقدّمه - فروع دین اسلام بر سه قسم است -
عبادات . معاملات . احکام .

عبادت - هر عملیست که محتاج باشد بقصد قربت و بدون قصد قربت پذیرفته نباشد چون نماز و روزه

معامله - عبارتست از داد و ستد و تجارت و کلیهٔ قرارداد هائی که ما بین مردم واقع میشود مثل خرید و فروش و نکاح و طلاق

احکام - عبارتست از حقوق و سیاساتی که شرع برای ما قرار داده مثل ارث و قصاص و دیات .

احکام تکلیفیّه - احکام تکلیفیّه پنج امرند
واجب . حرام . مستحبّ . مکروه . مباح -

واجب - هر عملیست که فعل آن لازم باشد و ترکش جایز نباشد چون نماز و روزه .

حرام - آنست که ترک آن لازم باشد و فعل آن جایز نباشد چون ظلم و دزدی .

مستحبّ - آنستکه فعلش بهتر از ترکش باشد چون احسان بفقراء .

مکروه - آنستکه ترکش بهتر از فعلش باشد چون صلوة در حمّام در وسعت وقت .

مباح - آنستکه فعل و ترکش مساوی باشد چون کسب کردن بجهت زیادی مال .

اقسام عبادات - عبادات هشت امرند :
اوّل طهارت - دوّم نماز - سوّم روزه - چهارم زکوة پنجم خمس - ششم حج - هفتم جهاد - هشتم امر بمعروف و نهی از منکر

حکمت - طهارت پاک نمودن بدن و لباس و ظروف و فرش و غیر آنست از نجاسات و کثافات که موجب امراض بسیار است و بسبب وضو و غسل دست و صورت و بدن را شستشو دادن و پاک نمودن از کثافات و رفع بوهائی که باعث تنفّر است و حفظ صحّت و تقویت بدن .

سؤالات

فروع دین اسلام چند قسم است ؟ - عبادت چیست ؟ - معامله

عبادت از چیست؟ - احکام عبادت از چیست؟ - احکام تکلیفیه چند اند؟ - واجب کدام است؟ - مستحب کدام است؟ - مکروه کدام است؟ - مباح کدام است؟ - عبادات چند امر (و کدام اند)

باب اول — در طهارت

مقدمه - طهارت بمعنای پاکی و پاکیزگیست کلیتاً پاکیزگی در شرع اسلام مطلوبست ولی یک قسمت آن که دارای مصلحت و اهمیت مخصوص بوده واجب و باقی مستحب است

اقسام طهارت - طهارت بر دو قسمست - طهارت از حدث و طهارت از خبث - طهارت از خبث ازاله نجاست از بدن و جامه و غیر آن - طهارت از حدث عبارتست از وضو و غسل و تیمم

درس نهم — فصل اول

در اقسام و احکام آبها

مقدمه - آب بر دو قسم است - مطلق. و مضاف.

آب مطلق آنستکه آنرا بدون قید آب گویند.

آب مضاف آنستکه آنرا بدون قید آب نگویند مثل آب قند و آب انار

وآب

و آب گوشت و گلاب و امثال اینها که از چیزی گرفته شده باشد یا مخلوط بچیزی شود بطوریکه از آب بودن خارج شود -

آب مضاف هر قدر زیاد باشد بمجرد ملاقات نجاست نجس میشود و رفع نجاست نمیکند و وضوء و غسل با آن صحیح نیست.

اقسام آب مطلق - آب مطلق بر چهار قسمست، آب باران. آب چاه. آب جاری. آب ایستاده.

آب باران در حال باریدن و آب جاری و آب چاه بملاقات نجس نجس نمیشوند مگر آنکه بسبب نجاست طعم یا رنگ یا بوی آنها تغییر کند و بزوال تغییر پاک میشوند.

آب ایستاده بر دو قسم است آب کثیر و آب قلیل - آب کثیر آنستکه بقدر کر باشد یا زیادتر از کر و در حکم آب جاریست مگر آنکه بعد از زوال تغییر یا آب باران یا متصل بکر یا جاری شود تا پاک گردد - آب قلیل آنستکه کمتر از کر باشد و بملاقات نجاست نجس میشود و باتصال بکر پاک میشود.

مقدار کر - مقدار کر بر حسب وزن یکصد و بیست و هشت من

تبریز است الا بیست مثقال صیرفی و بحسب مساحت باید حاصل
ضرب طول و عرض و عمق آن چهل و سه وجب الا یک ثمن وجب بشود
مثل آنکه هر یک از طول و عرض و عمق آن سه وجب و نیم باشد

درس دهم -- فصل دوم

در نجاسات است که آنها را خبث و اعیان نجسه نیز گویند
و آنها نیز دوازده چیز است :
اول - و دوم - بول و فضله هر حیوانیکه حرام گوشت و
صاحب خون جهنده باشد - سوم و چهارم - منی و خون
حیوانیکه صاحب خون جهنده باشد اگرچه حلال گوشت باشد
مگر خونیکه بعد از کشتن و آمدن خون متعارف در بدن
حیوان بماند - پنجم و ششم - سگ و خوک صحرائی نه دریائی
هفتم - کافر - هشتم - شراب و هر مست کننده که در
اصل روان باشد - نهم - فقاع یعنی شراب جو - دهم -
آب انگور جوش آمده پیش از آنکه دو ثلث آن کم شود -
یازدهم - مرده حیوانیکه صاحب خون جهنده باشد اجزا

آن که در اصل روح داشته باشند مثل مو و استخوان دوازدهم
عرق حیوان نجاست خوار و جنب از حرام -

احکام نجاسات

اول - هرچه با رطوبت یکی از نجاسات ملاقات کند نجس
میشود و آنرا متنجس گویند دوم - ازاله نجاسات از
قرآن و مساجد و مشاهد مشرفه واجب است سوم -
خوردن و آشامیدن چیز نجس و متنجس حرام است .

درس یازدهم فصل سوم در مطهرات

مطهرات دوازده چیز است اول آب دوم - زمین
سوم - آفتاب چهارم - استحاله پنجم - انقلاب
ششم - اسلام هفتم - انتقال هشتم - زوال عین
نهم - سنگ و کهنه استنجاء دهم - تبعیت یازدهم -
رفتن خون متعارف از حیوان دوازدهم آب هر چیز را که
نجس شده باشد پاک میکند زمین که پاک و خشک باشد
زیر کفش و پا و امثال آنرا بعد از زوال عین نجاست پاک

~~۳۲۰۴۶۵۱ م~~
٢٨٨٦٤٢ ٢٣٩٤٦٥

میکند برای رفتن و مالیدن بزمین   آفتاب زمین و دیوار
و عمارت و در و هر چه قابل نقل نیست مثل درخت و میوه
و نحو آن از منقولات حصیر و بوریا را پاک میکند در صورتیکه
عین نجاست زائل شده باشد بتابش آفتاب خشک شود .

استحاله - یعنی تبدیل شدن چیز نجس بچیز پاک مثل خاکستر
شدن عین نجس بر آتش .

انقلاب - یعنی منقلب و زایل شدن اوصاف نجس مثل اینکه شراب
سرکه شود .

اسلام - کافر را از نجاست کفر پاک میکند .

انتقال - مثل خون انسان که جزء بدن پشه و نحو آن شود پاک میشود

زوال عین - یعنی برطرف شدن عین نجاست از بدن
حیوان و از باطن انسان مثل باطن دماغ و گوش و غیر آن
سنگ و کلوخ و کهنه و غیر آن مخرج غائط را پاک میکند
بشرط اینکه سه سنگ باشد یا سه گوشه یک سنگ و زوال
عین نجاست بشود و الا باید زیاد کرد تا عین نجاست زایل شود

تبعیت - مثل این است که شراب سرکه شود ظرف آن هم
پاک میشود و همچنین کافر که مسلمان شد طفل صغیر او
نیز پاک میشود چون رفتن خون متعارف از حیوانیکه ذبح
شده باشد خون باقیمانده در بدن آن حیوان را پاک میکند

نقص - مثل اینکه دو ثلث آب انگور جوشیده کم بخار
شود باقی پاک میشود .

درس دوازدهم - کیفیت تطهیر با آب

۱ - هر چیزیکه نجس شده باشد هرگاه بعد از زوال نجاست
باران بر آن بیارد یا یک دفعه با آب جاری یا کر بشویند
پاک میشود و فشار لازم ندارد .

۲ - هر چیز نجس را اگر بعد از زوال نجاست دو مرتبه
آب قلیل بر آن بریزند پاک میشود و در چیزهائیکه قابل
فشار است مثل جامه باید فشار داد .

۳ - ظرفی را که سگ یا خوک زبان زده باشد باید اول خاک
بمالند بعد در سگ دو مرتبه و در خوک هفت مرتبه بشویند

م.٦٩٠

۴ - با آب نجس وضو و غسل صحیح نیست و دفع نجاست نمیکند
۵ - غساله نجس یعنی آبیکه در ازاله نجاست استعمال
شود نجس است مگر غساله استنجاء در صورتیکه بواسطه
نجاست تغییر نکرده باشد و نجاست خارجی بآن نرسد

خاتمه در آداب مبال رفتن

۱ - واجبست در حال تخلی بلکه در تمام احوال ستر عورت از ناظر محترم
۲ - مراد از ناظر محترم انسانی است که ممیز باشد غیر
از زوج و زوجه و کنیزیکه در حکم آنها است .
۳ - پشت بقبله و رو بقبله نشستن در حال تخلی حرامست
۴ - نظر بعورت غیر کردن در همه حال حرام است .
استنجاء - مخرج بول را سه مرتبه باید بآب شست و غیر
آب کافی نیست مخرج غایط را باید با آب بشویند
تا نجاست برطرف شود و تعدد شرط نیست و در صورتیکه
نجاست از مخرج تجاوز نکند و نجاست خارجی بآن نرسد
بسنگ یا کهنه پاک نیز میتوان تطهیر کرد و اگر بسه تا
پاک

پاک نشد باید زیاد کرد تا عین نجاست برطرف شود

سؤالات

طهارت بچه معنی است ؟ - طهارت بر چند قسم است ؟ - طهارت
از خبث کدامست ؟ - طهارت از حدث کدامست ؟ - آب بر
چند قسمست ؟ - آب مطلق کدامست ؟ - آب مضاف کدامست
آب مطلق بر چند قسم است ؟ - حکم آب باران و جاری و چاه
چیست ؟ - آب ایستاده بر چند قسم است ؟ - آب کثیر کدامست
و حکم آن چیست ؟ - نجاسات چند چیز است و چه چیز را پاک می
کند ؟ - زمین چه چیز را پاک میکند ؟ - آفتاب چه چیز را پاک
میکند ؟ - استحاله یعنی چه ؟ - انقلاب یعنی چه ؟ - اسلام
چه چیز را پاک میکند ؟ - انتقال مثل چه ؟ - زوال عین یعنی چه
سنگ و کهنه استنجاء چه چیز را پاک میکند ؟ - تبعیت مثل چه
بیرون رفتن خون متعارف چه چیز را پاک میکند ؟ - نقص کدامست
کیفیت تطهیر ظروف را بیان کنید ؟ - آداب مبال رفتن را بیان کنید ؟

درس سیزدهم - فصل چهارم - در وضو

افعالِ وضوء – افعالِ وضوء چهار چیز است

اول – شستنِ رو از رستنگاه موی سر تا آخر زنخ در طول و آنچه را انگشتِ ابهام و وسطی فرا گیرد در عرض، آنچه از رو در زیرِ مو باشد شستن آن لازم نیست و شستنِ مو کفایت میکند و باید از بالا به پایین بشوید پس اگر از زنخ به بالا بشوید باطل است.

دوم – شستنِ هر دو دست از آرنج دست تا سرِ انگشتان و اگر عکس کند یعنی از انگشتان به بالا بشوید صحیح نیست.

سوم – مسحِ جلوِ سر با دستِ راست به تریِ کفِ دست از آبِ وضو.

چهارم – مسحِ هر دو پا است از سرِ انگشتان تا بلندیِ پا اول پای راست بعد پای چپ.

شرایطِ وضوء – شرایطِ وضوء هفت است

اول – باید مکانِ وضوء و محلِ ریختنِ آبِ وضو غصبی نباشد و غصبی مالِ غیر است که بی رضای مالک در آن تصرف کنند.

دوم – آبِ وضوء نجس و مشتبه بنجس و غصبی و مضاف نباشد

سوم – باید اعضاء وضوء پیش از وضو پاک باشد و مانعی از رسیدنِ آبِ وضوء به آنها نباشد.

چهارم – نیّت باینطور بود که مقارن شستن رو قصد میکند: وضوء میگیرم از برای نماز قربةً الی الله و تا آخر وضو همین قصد باشد و نیّتِ مخالف ننماید.

پنجم – ترتیب باینکه اول رو را بشوید بعد دستِ راست بعد دستِ چپ را بعد مسحِ سر و بعد مسحِ دو پا را کند و اگر خلافِ این ترتیب کند وضوء باطل است.

ششم – موالات یعنی افعالِ وضوء را پی در پی بجا آورد و بقدری تاخیر نیندازد که عضو سابق خشک شود.

هفتم – آنکه خود افعالِ وضو را بجا آورد پس اگر غیر او را وضوء دهد باطل است مگر در حالِ ضرورت.

درسِ چهاردهم – وضوی واجب

وضوی واجب برای سه چیز واجب است[1]

1 وضوء برای سه چیز واجبست

اوّل - هر نماز واجب مگر نماز میّت که در اینجا مستحب است
دوّم - برای طواف خانهٔ کعبه اگر واجب باشد .
سوّم - برای دست نهادن بر خط قرآن و اسامی خدا اگر
واجب باشد .

نواقض وضو

- وضوء باطل میشود بسه چیز که آنها را حدث اصغر و نواقض وضو و موجبات وضو گویند
اوّل - خارج شدن بول یا غایط یا باد از مخرج معتاد
دوّم - خواب و مستی و بیهوشی و هرچه عقل را زایل کند
سوّم - هرچه موجبات غسل باشد هرگاه شخص
یقین بحدث سابق دارد و شک در وضوی لاحق
باید وضوء بگیرد و اگر یقین بطهارت دارد و شک
در حدث مطهر است .

درس یازدهم - فصل پنجم

در اقسام غسل و کیفیت آن

غسل بر دو قسم است ترتیبی و ارتماسی .

غسل ترتیبی آنستکه بعد از نیت اوّل سر و گردن را بشوید بعد
نصف طرف راست را از شانه تا کف پا بعد نصف طرف
چپ را بهمین طور و ناف و عورتین را با هر دو طرف بشوید
غسل ارتماسی آنستکه بعد از نیت بیک دفعه میرود بزیر
آب بنحویکه آب تمام مو و بدن او را فرا گیرد .

شرایط غسل

- شرایط غسل همان شرایط وضوست
مگر اینکه موالات در غسل شرط نیست و از پائین ببالا
شستن در آن نیز ضرر ندارد .

موجبات غسل

- موجبات غسل شش امر است
اوّل - جنابت دوّم - حیض سوّم - نفاس - چهارم
استحاضه پنجم - مس میّت ششم - موت آدمی .
و هر یک از اینها را حدث اکبر گویند .
و غسلهای مستحب بسیار است که از جملهٔ آنها غسل جمعه
است که در هر روز جمعه مستحب مؤکّد است
غسل جنابت[۱] برای سه امر واجبست اوّل نماز واجب دوّم طواف

۱ سبب جنابت دو امر است اوّل خروج منی دوّم مقاربت

واجب سوم روزه واجب

محرمات جنب ـ بر جنب چهار امر حرام است .
اول عضوی از بدن خود را بخط قران یا بنام خدا و چهارده
معصوم رسانیدن .
دوم ـ در مسجد مکه یا مدینه داخل شدن .
سوم ـ در باقی مساجد درنگ کردن .
چهارم ـ چیزی از چهار سوره عزائم که سجده واجب دارد
خواندن و آن چهار سوره اقرا والنجم و حم تنزیل و الم تنزیل
و غسل جنابت از وضوء کفایت میکند .
و غسلهای دیگر مکفی از وضوء و غسل جنابت نیستند .

درس شانزدهم

در حیض و نفاس و استحاضه و مس میت

حیض ـ حالتیست که برای زنان از سن نه تا پنجاه یا
شصت سالگی در هر ماه پیدا میشود
استحاضه ـ حالتی است که قبل از نه سال یا بعد از پنجا

یا شصت سال برای انها پیدا میشود
غسل نفاس غسلی است که بعد از زائیدن برای زنان واجب است
غسل میت استنکه هر کس یکی از اعضای خود را ببدن
میت برساند بعد از سرد شدن بدن میت و قبل از غسل
دادن واجب است براو که غسل کند و هم چنین اگر قطعه جدا
شده از بدن آدمی را که دارای استخوان باشد مس کند
غسل واجبست خواه از زنده جدا شده باشد و خواه از
مرده و اگر بی استخوان باشد غسل واجب نیست

سؤالات

وضو عبارت از چیست ؟ ـ شرایط وضوء چند است و آنها کدامند
وضو برای چه چیز واجبست و آنها کدامند ؟ ـ وضوء بچند چیز
باطل میشود و آنها کدام است ؟ ـ اگر شخص یقین بوضوء دارد
و شک در حدث چه باید کرد ؟ ـ غسل بر چند قسم است ؟ ـ غسل
ترتیبی کدام است ؟ ـ غسل ارتماسی کدام است ؟ ـ شرایط غسل
چیست ؟ ـ غسلهای واجب چند تا است ؟ ـ غسل جنابت برای چند

امر واجبست؟ - بر جنب چند امر حرامست؟ - غسل جنابت از وضو
و چیزهای دیگر کفایت میکند یا نه؟ - استحاضه کدامست؟ -
غسل نفاس چیست؟ - غسل مس میت کدامست؟ -

درس هفدهم فصل ششم

در احکام میت و آن شش امر است
اول احتضار دوم غسل سوم حنوط چهارم کفن
پنجم نماز ششم دفن.

احتضار - در وقت احتضار یعنی وقت جان دادن واجبست
میت را بپشت بخوابانند و پای او را بطرف قبله دراز نمایند

غسل میت - واجبست میت مسلمان و طفل مسلمانرا
بعد از مردن و ازاله نجاست از او سه غسل دهند
اول بآبیکه در آن سدر باشد دوم بآبیکه در آن کافور باشد
سوم بآب خالص بترتیب غسلهای ترتیبی یعنی اول سر و
گردنرا بشویند بعد طرف راست و بعد طرف چپ را و اگر
سدر و کافور نباشد هر سه غسل را بآب خالص دهند و اگر

اب

آب نباشد یا نتوان او را غسل داد عوض غسل او را تیمم دهند
و شروط غسل میت مثل شروط سایر غسلها است.
اول - مرد را باید مرد غسل دهد و زن را زن مگر در زن
و شوهر که هر یک دیگر را میتواند غسل داد و هم چنین آقا
کنیز خود را میتواند غسل دهد و مرد دختر سه ساله را و
زن پسر سه ساله را میتواند غسل دهد.
دوم - عورتین میت را باید بپوشانند.

حنوط - بعد از غسل واجبست میت را حنوط کنند و
حنوط آنستکه هفت موضع را که در سجده نماز بزمین
میگذارد کافور بمالند.

درس هجدهم - در کفن میت

بعد از حنوط واجبست میت را کفن کنند و کفن سه
پارچه است.
اول - لنگ که ما بین ناف و زانو را بپوشاند.
دوم - پیراهن که از شانه تا نصف ساق را بپوشاند.

سوّم - لفافه که میّت را سراپا فرا گیرد و بتواند دو سر آنرا ببـ
و در کفن سه چیز شرط است .

اوّل - آنکه ابریشم و طلا باف و پوست نباشد .

دوّم - آنکه نجس نباشد .

سوّم - آنکه غصبی نباشد و کفن زن بر شوهر است مگر آنکه فقیر باشد .

نماز میّت - پنجم از احکام میّت آنست که بعد از غسل و کفن بر او نماز گذارند و نماز واجبست بر میّت مسلمان و طفل مسلمان که شش ساله و تمام باشد و کیفیت آن اینستکه میّت را به پشت بخوابانند و نماز گذار رو بقبله باشد بطوریکه سر میّت بطرف راست او واقع شود و بعد از نیت پنج تکبیر بگوید و کمتر چیزیکه بعد از تکبیرات باید گفت اینستکه بعد از تکبیر اوّل بگوید اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰهِ و بعد از تکبیر دوّم بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و بعد از تکبیر سوّم

بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و بعد از تکبیر چهارم بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَهُ و اگر میّت زن باشد بجای لَهُ لَهَا بگوید و بعد تکبیر پنجم را گفته نماز تمام میشود

دفن میّت - ششم از احکام میّت آنستکه او را بعد از نماز در زمین دفن نمایند بطوریکه از جانوران محفوظ باشد و بوی عفونت آن بیرون نیاید و باید در قبر او را بجانب راست رو بقبله بخوابانند بطوریکه سرش طرف مغرب و پایش طرف مشرق و رویش بطرف قبله باشد و هرگاه در دریا کسی بمیرد باید او را در صندوق و یا خمره گذارده و اگر ممکن نشود چیز سنگینی باو بست و او را رو بقبله بدریا انداخت

شهید را غسل و کفن نباید کرد بلکه بر او نماز خوانده و با همان لباس او را دفن کنند و شهید کسی است که باذن امام یا نایب امام جهاد کرده و در جنگ کشته شود .

درس نوزدهم - فصل هفتم - احکام تیمم

تیمم وقتی واجب میشود که وضو یا غسل بر شخص لازم شده

باشد و آب بقدر کفایت برای اینها نتواند تحصیل کند یا
عذر از استعمال آب داشته باشد مثل اینکه مریض باشد
یا سرما زیاد یا ترس تشنگی داشته باشد یا وقت تنگ باشد
و مثل اینها در این صورت بدل از وضو یا غسل باید تیمم کند

کیفیت تیمم — کیفیت تیمم اینست که شخص بعد از
نیت دو کف دست خود را یکدفعه بر زمین زند و با دو کف
دست پیشانی خود را از رستنگاه موی سر تا طرف بالای
دماغ مسح نماید بعد از آن با کف دست چپ پشت دست راست را
مسح میکند از بند دست تا سر انگشتان بعد با کف دست
راست پشت دست چپ را مسح میکند در تیمم بدل از
غسل بعد از مسح پیشانی دوباره دستها را بر زمین
زده و پشت دستها را مسح کند .

شرایط تیمم — شرایط تیمم پنج است .
اول — آنکه آنچه بر آن تیمم میکند نجس و غصبی نباشد
دوم — آنکه آنچه بر آن تیمم میکند زمین باشد یعنی خاک

و سنگ و ریگ و مانند آن پس تیمم باجر و معدن مثل نمک و
زرنیخ و مثل آن صحیح نیست — هرگاه زمین ممکن نشود بر غبار
لباس و نمد و زین و یال اسب تیمم کند و اگر اینهم ممکن نشود با گل
تیمم کند سیم — اعضای تیمم قبل از تیمم پاک باشد چهارم
نیت یعنی در وقت زدن دست بر زمین قصد کند که تیمم
بدل از وضو یا غسل میکنم قربةً الی الله پنجم — آنکه هرچه
مانع باشد مثل انگشتر و مانند آن در وقت تیمم بیرون آورد
از دست — هرچیزیکه وضو و غسل را باطل میکند تیمم را
نیز باطل میکند بعلاوه یافت شدن آب یا تمکن از استعمال آن

سؤالات

احکام میت چند چیز است ؟ — در وقت احتضار چه چیز واجبست
چه میتی را باید غسل داد ؟ — اگر سدر و کافور نباشد میت را
با چه باید غسل داد ؟ — اگر آب نباشد یا غسل ممکن نشود چه
باید کرد ؟ — شروط غسل میت چند تا است ؟ — بعد از غسل
چه باید کرد ؟ — حنوط کدام است ؟ — بعد از حنوط چه باید کرد

کفن میت چند پارچه است ؟ - آنها کدامند ؟ - در کفن چه چیز شرط است ؟ - کفن زن بر کی واجبست ؟ - نماز بر چه میتی واجبست ؟ - کیفیت نماز میت را بیان نمائید ؟ - بچه نحو باید میت را دفن کرد ؟ - اگر کسی در دریا بمیرد او را چه باید کرد ؟ - شهید حکمش چیست ؟ - شهید چه کسی است ؟ - تیمم چه وقت واجب میشود ؟ - ترتیب تیمم چیست ؟ - شرایط تیمم چند است وکدامند ؟ - چه چیز تیمم را باطل میکند ؟ -

درس بیستم باب دوم در نماز فصل اول

در شماره نمازهای واجب و نماز یومیه

نماز واجب شش است (۱)

اول نماز یومیه شبانه روزی

دوم نماز جمعه سوم نماز آیات چهارم نماز طواف

حکمت (۱) ظاهری نماز توجه نمودن و تقرب جستن بخدا و تهذیب اخلاق کردن و خدا را ناظر اعمال خود دانستن و از مال حرام اجتناب کردن و حفظ و ترویج مذهب

پنجم نماز یکه بنذر و عهد و قسم واجب شود ششم نماز میت

نماز یومیه نماز یومیه پنج نماز است که بر هر مرد عاقل از سن پانزده سالگی و بر هر زن عاقله از سن نه سالگی واجبست در شبانه روزی به پنج وقت معین بجا آورد از اینقرار نماز صبح دو رکعت - نماز ظهر چهار رکعت - نماز عصر چهار رکعت - نماز مغرب سه رکعت - نماز عشاء چهار رکعت .

فصل دوم

در مقدمات نماز و آنها هفت چیز است که باید برای نماز بجا آورد

اول طهارت از حدث دوم برطرف کردن نجاست از بدن و جامه سوم ستر عورت و آن پوشانیدن عورت است در مرد و تمام بدن در زن مگر صورت و دو دست و از انگشتان تا بند دست و دو پا تا ساق چهارم لباس نماز گزار باید غصبی نباشد و

۱ نماز قضا و نماز مسافر و نماز جمعه جزء نماز یومیه محسوب میشود و نماز عید فطر و قربان چون در زمان غیبت مستحب است لذا ذکر نشد

پوست حیوان حرام گوشت و مردار نباشد مگر پوست خز و سنجاب که نماز در این دو جایز است. لباس مرد باید ابریشم خالص و طلاباف نباشد مگر در ضرورت یا جنگ.

پنجم - مکان نماز گذار غصبی و نجس نباشد بطوریکه نجاست سرایت ببدن و جامه کند و اگر سرایت نکند ضرر ندارد مگر در محل سجده که اگر سرایت هم نکند باطل است.

ششم - وقت شناختن یعنی وقت نماز را بداند که در وقت خود بجا آورد.

هفتم قبله شناختن یعنی قبله را بداند که رو بقبله نماز گذارد

درس بیست و یکم

نجاساتی که در نماز معفو است

در پنج جا نجاست بدن و لباس در نماز معفو است

اوّل - خون زخم و دمل و نحو آن که اگر ازاله آن مشقت داشته باشد میتوان با آن نماز خواند.

دوّم - خونیکه کمتر از بند بالای انگشت ابهام باشد

مگر خون حیض و نفاس و استحاضه و نجس العین.

سوّم - جامه که نتوان ستر عورت کند مثل عرقچین و جوراب و بند زیر جامه و نحو آن.

چهارم - لباس زنیکه طفل را تربیت میکند اگر زیاده از یک دست نباشد و روزی یک مرتبه بشوید.

پنجم - در وقت ضرورت.

اوقات نماز - هر یک از نمازهای یومیّه غیر از نماز صبح دو وقت دارد مختصّ و مشترک وقت نماز صبح از طلوع صبح صادق است تا طلوع آفتاب (صبح صادق یا فجر صادق سفیدی است که در طرف افق پراکنده و بتدریج تا طلوع آفتاب زیاد میشود) وقت مختصّ نماز ظهر از اوّل ظهر است تا مقدار چهار رکعت.

وقت مختصّ نماز عصر از مقدار چهار رکعت بمغرب است تا مغرب ما بین این دو وقت مشترک ظهر و عصر است.

ظهر وقتیست که آفتاب از دایره نصف النهار بگذرد

علامت آن این است که در آنوقت سایهٔ هر چیزی
شروع بزیاد شدن میگذارد چه اول طلوع آفتاب
سایهٔ هر چیزی بسمت مغرب کشیده شده است سایه
آنچیز کم میشود تا آفتاب بدایرهٔ نصف النهار برسد و
بعد از آن رو بزیادی میگذارد آنوقت وقت ظهر است
وقت مختص نماز مغرب از اول مغرب است تا مقدار
سه رکعت و وقت مختص بنماز عشا از چهار رکعت
مانده بنصف شب است تا نصف شب و ما بین این دو وقت
وقت مشترک مغرب و عشاء است (مغرب وقتیست
که حمرهٔ مشرقیه یعنی قرمزی که بعد از غروب آفتاب
در سمت مشرق ظاهر میشود از بالای سر بگذرد)

تعیین قبله - قبله خانهٔ کعبه است برای کسی
که نزدیک باشد و بتواند آنرا ببیند و جهت کعبه
است یعنی سمتیکه کعبه در آنسمت واقع است برای
کسیکه دور باشد و نتواند آنرا ببیند .

قبله هرگاه کسی علم بقبله پیدا کند باید نماز را
رو بقبله بخواند و در صورت عدم علم بعلاماتیکه
اسباب ظنّ بقبله باشد عمل نماید مثل محراب مسجد و
قبور مسلمین و قول صاحب خانهٔ مسلمان و غیر اینها
و اگر ظنّ ممکن نشود بچهار سمت نماز بخواند

درس بیست دوّم

خاتمه مستحب است قبل از نماز یومیّه اذان و
اقامه گفتن اذان عبارتست از چهار مرتبه اَللهُ اَکبَر
و بعد اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلَّا الله و بعد اَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً
رَسُولُ الله و حَیَّ عَلَی الصَّلوةِ و حَیَّ عَلَی الفَلاح
و حَیَّ عَلی خَیرِ العَمَل و الله اَکبَر و لا اِلهَ اِلّا
الله هر یک دو مرتبه .

و اقامه مثل اذان است مگر آنکه در اوّل اَللهُ اَکبَر دو
مرتبه باید گفت و بعد از حَیَّ عَلی خَیرِ العَمَل دو مرتبه
بگوید قَد قامَتِ الصَّلوة و در آخر یکمرتبه لا اِلهَ اِلَّا الله

ومستحب است بعد از شهادتین دو مرتبه بگوید اَشْهَدُ اَنَّ عَلِیًّا وَاَوْلادَهُ الْمَعْصُومِینَ حُجَجُ اللهِ ولی جزء اذان و اقامه نیست.

درس بیست و سوم

در افعال واجبهٔ نماز و آنها را مقارنات نماز گویند

افعال واجبهٔ نماز ده امر است.

اول نیت - دوم تکبیرة الاحرام - سوم قیام - چهارم قرائت - پنجم رکوع - ششم سجود - هفتم تشهد - هشتم سلام - نهم ترتیب - دهم موالات.

ارکان نماز - چهار از این ده امر رکن است یعنی زیادتی یا کمی یکی از آنها عمداً و سهواً نماز باطل میشود از اینقرار اول - تکبیرة الاحرام - دوم قیام در حال تکبیرة الاحرام و قیام متصل برکوع - سوم رکوع - چهارم دو سجده و مابقی غیر رکن است که زیادتی یا کمی آنها عمداً نماز باطل میشود ولی سهواً باطل نمیشود.

نیت - یعنی قصد کند نماز معین را قربةً الی الله

و باید مقارن تکبیرة الاحرام بوده و تا آخر نماز بهمان نیت باقی باشد و نیت خلاف نکند. تکبیرة الاحرام گفتن الله اکبر است در اول نماز بعد از نیت و باید بعربی باشد و ترجمهٔ آن کافی نیست.

قیام - یعنی در حال تکبیرة الاحرام و قرائت باید بقدر امکان راست بایستد بدون تکیه بچیزی تا برکوع رود.

قرائت - یعنی در دو رکعت اول نماز یومیه اول حمد و بعد یک سوره تمام از قرآن بخواند غیر از سورههای سجده بطور صحیح و ادای حروف از مخارج و در رکعت سوم و چهارم مخیر است که حمد تنها بخواند یا تسبیحات اربع و تسبیحات اربع از اینقرار است سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرَ و مستحب است سه مرتبه گفتن.

مرد باید در نماز صبح و دو رکعت اول نماز مغرب و عشا حمد و سوره را جهر (یعنی بلند) و در مابقی اخفات (آهسته) بجز بسم الله که مستحب است بلند بخواند و زن تمام را آهسته

درس بیست و چهارم

رکوع در هر رکعت نماز یک رکوع واجب است و آن چنان است که بعد از تمام شدن حمد و سوره یا تسبیحات اربع باندازه خم شود که بتواند دست خود را بزانو برساند و در آنحال این ذکر را بخواند سُبحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَبِحَمدِه یا سه مرتبه سُبحانَ الله بگوید بعد از آن بلند شده یک لحظه راست بایستد در حال ایستادن مستحب است بگوید سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه

سجود در هر رکعت از نماز دو سجده واجب است باین طریق که بعد از بلند شدن از رکوع بسجده میرود بطوریکه هفت موضعش بزمین برسد پیشانی و دو کف دستها و دو سر زانو و دو انگشت بزرگ پاها و در آنحال این ذکر را بخواند سُبحانَ رَبِّیَ الاَعلی وَبِحَمدِه یا سه مرتبه سُبحانَ الله بگوید و بعد سر از سجده برمیدارد و مستحب است تکبیر بگوید و بگوید اَستَغفِرُ اللهَ رَبّی وَاَتوبُ اِلَیه و بعد از آن مرتبه دوم بسجود و سجده دوم را مثل سجده اول بجا میآورد

محل سجده باید زمین یا گیاهی باشد که عادتاً مأکول و ملبوس نباشد مثل سنگ و خاک و چوب و نخوان و از محل ایستادن بلندتر از کلفتی یک انگشت نباشد و بر معادن و مأکول و ملبوس و هر چه از اسم زمین خارج شده باشد مثل خاکستر سجده صحیح نیست و بر کاغذ سجده جایز است

تشهّد - در رکعت دوم هر نماز و در رکعت سوم نماز سه رکعتی و رکعت چهارم نماز چهار رکعتی بعد از سجود باید بنشیند تشهّد بخواند باین طریق اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَه وَاَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَرَسولُه اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ .

سلام و آن چنان است که در رکعت آخر هر نماز بعد از تشهد بگوید اَلسَّلامُ عَلَینا وَعَلی عِبادِ اللهِ الصّالِحین یا اَلسَّلامُ عَلَیکُم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُه و مستحب است اوّل بگوید اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُه و بعد هر دو سلام را بگوید

ترتیب - یعنی پی در پی افعال نماز را بجا آورد پس اگر عمداً جزئیرا که باید مؤخر باشد مقدم بدارد نماز باطل است.

موالات - یعنی پی در پی افعال نماز را بجا آورد و ما بین آنها فاصله نشود.

خاتمه - مستحب است در رکعت دوم هر نماز قبل از رکوع قنوت بخواند باین طریق که هر دو دست را محاذی صورت نگاه بدارد بطریقی که کف دستها بجانب آسمان باشد و در این حال هر ذکر و دعائیکه میخواهد بخواند و افضل است خواندن کلمات فرج و آن این است لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِینَ السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اگر کسی نتواند اعمال نماز را بطوریکه گفته شد بجا آورد هرچه ممکن است بجا آورد

و نماز ساقط نمیشود مثلاً اینکه در قیام اگر نتواند بایستد تکیه کند و اگر نتواند بنشیند و اگر عاجز باشد بپهلو بخوابد و اگر نتواند بپشت بخوابد و اگر برای رکوع و سجود نتواند خم شود سر را خم کند و اگر نتواند چشم را برهم گذارد و اگر قرائت نمیتواند بخواند بقدر آن ذکر بگوید و اگر نتواند بقدر آن بایستد و همچنین در ذکرهای دیگر

سؤالات

نمازهای واجب چندتا و آنها کدامند؟ - نمازهای یومیه چندتاست و بر چه کس واجب است؟ - مقدمات نماز چند چیز است و کدامند؟ - هر یک از نمازهای یومیه چه وقت دارد؟ - وقت نماز صبح کی است؟ - صبح صادق کدام است؟ - وقت نماز صبح و عصر کی است؟ - ظهر چه وقت است؟ - قبله چیست؟ - قبله بچه چیز تعیین میشود؟ - اذان عبارت از چیست؟ - اقامه کدام است؟ - افعال واجبه نماز با مقدمات چندتا اند؟ - رکن کدام است؟ - نیت یعنی چه؟ - تکبیرة الاحرام کدام است؟ - قیام یعنی چه؟ - قرائت یعنی چه؟ - در کدام نماز

باید حمد و سوره را بلند بخواند ؟ - در کدام آهسته بخواند ؟ - در هر رکعت نماز چند رکوع واجب است ؟ - رکوع کدام است ؟ - در هر رکعت نماز چند سجده واجب است ؟ - سجده بچه طرز است ؟ - محل سجده چه باید باشد ؟ - تشهد در کدام رکعت نماز واجب است ؟ - تشهد کدام است ؟ - سلام چیست ؟ - ترتیب کدام است ؟ - موالات یعنی چه ؟ - قنوت چه وقت مستحب است ؟ - قنوت کدام است ؟ - اگر کسی نتواند اعمال نماز را بجا آورد چه بکند ؟ -

درس بیست و پنجم

فصل چهارم مبطلات یا منافیات نماز

مبطلات یا منافیات نماز چیزها ئیست که نماز را باطل میکند و آن بر دو قسم است :

اول آنکه عمداً و سهواً نماز را باطل میکند .

دوم آنکه عمداً نماز را باطل میکند نه سهواً .

آنها ئیکه عمداً و سهواً نماز را باطل میکند از اینقرار است

اول حدث (موجبات وضوء و غسل)

دوم پشت یا طرف راست یا چپ بقبله کردن .

سوم در خارج وقت نماز خواندن مگر اینکه اشتباه در وقت کرده باشد و هنوز نماز تمام نشده داخل وقت شود

چهارم با جامه یا بدن نجس نماز خواندن مگر اینکه عالم بنجاست نبوده و تا آخر نماز عالم نشود .

پنجم زیادتی یا کمی رکن ششم فعل یا سکوت طولانی که از صورت نماز گذار خارج شود هفتم خوردن و آشامیدن

وآنها ئیکه عمداً نماز را باطل میکند نه سهواً از اینقرار است

اول ترک ستر عورت کردن دوم در لباس یا مکان غصبی نماز کردن سوم سخن گفتن بدو حرف یا زیاده غیر از قرآن و دعا و ذکر چهارم خنده با صدا کردن پنجم گریه کردن برای غیر خدا ششم بعد از حمد آمین گفتن هفتم دست بسینه نماز کردن هشتم کم و زیاد کردن یکی از واجبات غیر از رکن نهم شک در رکعات بتفصیلی که بیاید .

درس بیست و ششم - فصل پنجم

احکام سهو - هرگاه یکی از واجبات نماز ترک شود
پس اگر محلش باقیست یعنی هنوز داخل در رکن نشده یادش آید
برگردد و آنرا بجا آورد و اگر داخل در رکن شده باشد پس
اگر آن جزء فراموش شده رکن باشد نمازش باطل است
و اگر غیر رکن باشد نماز صحیح است و باید بعد از نماز دو
سجدهٔ سهو بجا آورد مثلاً اینکه اگر رکوع را فراموش کرد
و پیش از سجود بخاطرش آمد برگردد و رکوع را بجا آورد
و اگر وقتی بسجده رفت یادش آید نمازش باطل است و اگر
حمد را فراموش کرد و قبل از رکوع یادش آمد برگردد و حمد
و سوره را بخواند و اگر برکوع رفته یادش آید نماز را
تمام کند و بعد از نماز دو سجدهٔ سهو کند و در تشهد یا
یک سجده یا صلوات اگر فراموش کند تا داخل در رکن
شود بعد از نماز اول قضاء آنها را بلا فاصله بجا
آورد و بعد دو سجدهٔ سهو کند.

سجدهٔ سهو - سجدهٔ سهو واجب میشود برای سلام

و کلام و قیام و قعود بیجا و کمی و زیادتی غیر رکن و شک
بین چهار و پنج و سجده اینست که بعد از نیت بسجده رود و این
ذکر را بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ و بعد سر از سجده برداشته بسجده رود و همان ذکر را
بخواند و بعد از دو سجده مثل نماز تشهد خوانده میگوید
اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ

درس بیست و هفتم - فصل ششم

در شکیات - شکوک نماز بر سه قسم اند
شکوک غیر معتبره - شکوک مبطله - شکوک صحیحه

شکوک غیر معتبره - شکهائیست که اعتنائی بآنها
نباید کرد و آنها پنج قسم است اوّل شک بعد از محل یعنی
اگر شک کند در یکی از افعال نماز بعد از آنکه محل آن
گذشته و داخل فعل بعد شده باشد اعتنا نکند مثل
اینکه شک کند در تکبیرة الاحرام بعد از دخول در قرائت
یا در قرائت بعد از دخول قنوت یا رکوع و اگر قبل از دخول

در فعل باشد باید آنچه را که شک کرده بجا آورد .

دوم - شک بعد از وقت مثل اینکه بعد از مغرب شک کند که نماز ظهر را خوانده یا نه در افعال و رکعات آنها شک کند .

سوم شک بعد از سلام نماز چه در افعال نماز شک کند یا در رکعات

چهارم شک کثیر الشک یعنی کسیکه زیاد در افعال یا رکعات نماز شک کند در این چهار صورت باید بنا را بر صحت گذارد و نماز احتیاط لازم نیست .

پنجم شک هر یک از امام و مأموم با حفظ دیگری که هر کدام شک کرده باید متابعت دیگری نماید .

شکوک مبطله - شکوک مبطله شکهائیست که نماز را باطل میکند و آنچه از آنها غالباً محل ابتلا است از اینقرار

اول - شک در رکعات نماز دو رکعتی یا سه رکعتی

دوم - شک میان یک رکعت و زیادتر مطلقاً یا دو رکعت و زیادتر بعد از اکمال سجدتین در نماز چهار رکعتی .

سیم - شک در عدد رکعات نماز که نداند چند رکعت بجا آورده

شکوک صحیحه - شکوک صحیحه هشت صورت است

اول - شک میان دو و سه بعد از دو سجده بنا را بر سه گذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده بجا آورد

دوم - شک میان سه و چهار هر جا که باشد بنا را بر چهار گذارد و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده بجا آورد .

درس بیست و هشتم

سوم - شک میان دو و چهار بعد از دو سجده بنا را بر چهار گذارد و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده بجا آورد

چهارم - شک میان دو و سه و چهار بعد از دو سجده بنا را بر چهار گذارد و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته بجا آورد .

پنجم - شک میان چهار و پنج اگر بعد از دو سجده باشد

بنا را بر چهار گذارده بعد از سلام دو سجدهٔ سهو بجا آورد و اگر در حال قیام باشد می نشیند و عمل سه و چهار را بجا می آورد .

ششم - شک میان سه و پنج در حال قیام می نشیند و حکم شک دو و چهار را پیدا میکند و اگر بعد از رکوع باشد باطل است

هفتم - شک میان سه و چهار و پنج در حال قیام می نشیند و حکم شک بین دو و سه و چهار را پیدا میکند .

هشتم - شک میان پنج و شش در حال قیام می نشیند و حکم شک بین چهار و پنج بعد از دو سجده را پیدا میکند و اگر بعد از رکوع باشد نماز باطل است .

تتمه - شخص وقتیکه شک کرد باید قدری فکر کند اگر علم یا ظن بیک طرف پیدا کرد بان عمل کند و الا بحکم شک رفتار کند

نماز احتیاط - نماز احتیاط مثل نماز صبح است مگر اینکه سوره و قنوت ندارد و در قرائت بحمد تنها اکتفا میشود و باید بعد از نماز بدون فاصله منافی بجا آورده شود

سؤالات امتحانیه

مبطلات نماز بر چند قسم اند ؟ - آنهائیکه عمداً و سهواً نماز را باطل میکنند کدام است ؟ - آنهائیکه سهواً نماز را باطل میکنند کدامست ؟ - اگر سهواً یکی از واجبات نماز ترک شود چه حکم دارد ؟ - سجدهٔ سهو برای چه امر واجب است ؟ - سجدهٔ سهو کدام است ؟ - شکوک در نماز بر چند قسم است ؟ - شکوک غیر معتبره کدام است ؟ - شکوک غیر معتبره را بیان نمائید ؟ - شکوک مبطله چیست و آنها کدامند ؟ - شکوک صحیحه چند صورت است ؟ - شک در میان دو و سه حکمش چیست ؟ - شک میان سه و چهار حکمش چیست ؟ - شک میان دو و چهار چه حکم دارد ؟ - شک میان دو و سه و چهار چه حکم دارد ؟ - شک میان چهار و پنج حکمش چیست ؟ - شک میان سه و پنج حکمش چیست ؟ - شک میان سه و چهار و پنج چه حکم دارد ؟ - شک میان پنج و شش حکمش چیست ؟ - آیا وقتیکه شخص در نماز شک کرد چه باید بکند ؟ - نماز احتیاط بچه نحو است ؟ -

درس بیست وهفتم

فصل هفتم - در نماز جمعه

در روز جمعه نماز گذارد در زمان غیبت امام مختار است[1]
که نماز ظهر بخواند یا در عوض آن نماز جمعه بخواند.
نماز جمعه دو رکعت است مثل نماز صبح و وقت آن از اول ظهر
است تا وقتیکه سایه هر چیز بقدر خود آن چیز شود.

واجبات نماز جمعه - واجبات نماز جمعه علاوه
بر آنچه در نمازهای دیگر واجب است چهار است.

اول - آنکه بجماعت کرده شود و عدد جماعت اقلاً با پیشنماز
پنج نفر باشد.

دوم - آنکه قبل از نماز دو خطبه خوانده شود که مشتمل
بر حمد و ثناء و صلوات بر پیغمبر و آل او و وعظ و قرائت
یک سوره کوچک از قرآن یا یک آیه تمام باشد و خطیب
باید در وقت خطبه پاک و با طهارت باشد و ایستاده
خطبه بخواند و ما بین دو خطبه بنشیند.

[1] در زمان حضور امام معین است که نماز جمعه باید بخواند

سیم - آنکه بین دو جماعت که برای نماز جمعه منعقد میشود
اقلاً یک فرسخ فاصله باشد.

کسانیکه نماز جمعه از آنها ساقط است

نماز جمعه از چهار کس ساقط است
اول زن - دوم بنده - سوم اشخاص کور و عاجز و امثال اینها
چهارم - کسیکه از محل او تا محل نماز جمعه بیش از دو فرسخ باشد

درس سی ام - فصل هشتم

در نماز آیات و غیره

نماز آیات واجب میشود برای گرفتن آفتاب و ماه و زلزله
و صاعقه و هر امر آسمانی که ترسناک باشد چون باد
سرخ و سیاه و آنها را آیات گویند
نماز آیات دو رکعت است که در هر رکعت پنج رکوع و دو
سجود دارد باین طریق که بعد از نیت و تکبیرة الاحرام
حمد و سوره میخواند و میرود برکوع بعد از ذکر رکوع بر
میخیزد می ایستد و حمد و سوره میخواند و میرود برکوع

تا پنج مرتبه و بعد از رکوع پنجم میرود بسجود و بعد از دو سجده می ایستد و بعد از رکوع پنجم میرود بسجود و بعد از دو سجده می ایستد و در رکعت دوم همین نحو پنج حمد و سوره میخواند و پنج رکوع میکند و میرود بسجود و بعد از دو سجده تشهد و سلام گفته نماز را تمام میکند و قبل از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت مستحب است و جایز است عوض پنج حمد و سوره ابتداء یک حمد و یک آیه از یک سوره بخواند و برود برکوع و بعد از رکوع آیه بعد از آن آیه بخواند و همچنین بطوریکه یک سوره بر پنج قسمت شود و در رکعت دوم همین طریق یکحمد و یک سوره را تمام کند .

وقت نماز خسوف و کسوف از اول گرفتن ماه و آفتاب است تا باز شدن آن و نماز زلزله و سایر آیات تا آخر عمر ادا است

نماز نذر و عهد و قسم

نماز نذر و عهد و قسم آنستکه اگر کسیی نذر کند یا عهد

کند یا قسم بخورد که نمازی بجا آورد باید بهمان طریقی که نذر یا عهد کرده یا قسم خورده بجا آورد بشرط آنکه کیفیت آن مخالف با نمازهائیکه از شرع رسیده نباشد پس نذر نماز پنج رکعتی باطل است .

نماز طواف - نماز طواف دو رکعت است و جزء اعمال حج ذکر میشود

نماز میت - نماز میت در احکام میت ذکر میشود

درس سی و یکم - فصل دهم - در نماز قضا

اگر مسلمانی[1] نمازی بر او واجب باشد یا تمکن شرایط وجوب آن موجود باشد و در وقتش عمداً یا سهواً از او ترک شود یا بواسطه خواب یا مستی یا مرض یا بیهوشی نتواند آنرا بجا آورد باید قضاء آنرا در وقت دیگر بهمان ترتیب بجا آورد

نماز فوت شده از پدر - بعد از فوت پدر بر پسر بزرگتر واجبست که قضای نمازهای فوت شده

۱ کافر اگر مسلمان شود نماز قضاء از او ساقط میشود

پدر خود را که بسبب عذری از او فوت شده بجا آورد

نماز استیجاری - ممکن است کسیرا اجیر نماید که نماز فوت شده میت را بجا آورد و در اینصورت بر آن شخص لازم است همان نحو که اجیر شده عمل نماید و این نماز را استیجاری گویند

درس سی و دوم - فصل دهم

در نماز مسافر - نماز قصر آنستکه از نماز چهار رکعتی یومیه که نماز ظهر و عصر و عشا باشد دو رکعت آخر آن ساقط میشود و همان دو رکعت اول را باید خواند و نماز صبح و مغرب بحال خود باقیست نماز مسافر قصر است به پنج شرط اول - قصد رفتن هشت فرسخ شرعی داشته باشد یا قصد چهار فرسخ با قصد برگشتن همانروز پس اگر قصد کمتر از آن داشته باشد باید تمام بخواند

دوم - آنکه در اثناء سفر بجائی نرسد که در آنجا ملک داشته باشد یا شش ماه اقلاً در آنجا توطن کرده باشد یا قصد اقامه ده روز در آنجا نماید و اگر سی روز یکجا بماند

و مردد باشد در رفتن و ماندن بعد از سی روز نماز را تمام کند

سوم - آنکه سفر او سفر معصیت نباشد مثل اینکه برای دزدی کردن یا اعانت ظالم برود .

چهارم - آنکه کثیر السفر نباشد یعنی سفر کردن شغل و کار او نباشد مثل مکاری و کشتیبان .

پنجم - آنکه بحد ترخص برسد یعنی بمقداری از محل اقامت خود دور شود که اذان آنجا را نشنود و یا دیوارهای آنجا را تمیز ندهد فرسخ شرعی دوازده هزار ذراع است بذراع دست (شش هزار ذرع)

خاتمه - در مسجد مکه و مدینه و مسجد کوفه و آستانه حضرت سید الشهداء مسافر مختار است که قصر بخواند یا تمام .

فصل یازدهم - در نماز جماعت

جماعت در نماز جمعه چنانکه ذکر شد واجبست و در نماز یومیه و سایر نمازهای واجب مستحب مؤکد است و فضیلت بسیار دارد و کمتر عددیکه جماعت با آن منعقد میشود دو نفر است یکی امام و دیگری مأموم .

شرایط نماز جماعت - شرایط نماز جماعت پنج است

اول - آنکه امام بالغ و عاقل و شیعه اثنی عشری و عادل باشد و ایستاده نماز بخواند.

دوم - آنکه پیشنماز مرد مرد باشد اما پیشنماز زن میتواند زن باشد

سوم - آنکه ماموم جلوتر از امام نایستد بلکه عقب سر یا پهلوی او باشد.

چهارم - آنکه ماموم زیاد دور از امام نایستد و بین او و امام حائلی نباشد که مانع دیدن امام باشد مگر ماموم دیگر و در زن اگر بین او و امام حائلی باشد ضرر ندارد.

پنجم - مکان امام بیشتر از یک شبر بلندتر از مکان ماموم نباشد اما جای ماموم هر قدر بلند باشد عیب ندارد (عادل آنست که گناه کبیره نکند و اصرار بر گناه صغیره هم نداشته باشد)

احکام جماعت - اول - از ماموم حمد و سوره ساقط است ولی تسبیحات اربع و سایر افعال ساقط نیست.

دوم - هیچ فعلی را ماموم نباید جلوتر از امام بجا آورد

سوم - قصد اقتداء با امام معین واجب است.

چهارم - در هر رکعت که ماموم قبل از آنکه امام از رکوع برخیزد بامام برسد آن رکعت را درک کرده و الا بآن رکعت نرسیده است و هرگاه ماموم در اثناء نماز امام برسد آنچه را که درک کرده اول نمازش قرار داده و با امام همراهی کند و بعد از سلام باقی نمازش را تمام کند.

پنجم - در هر موقعی ماموم میتواند قصد انفراد کند مگر در مثل نماز جمعه که جماعت در آن شرط است.

ششم - هر یک از نمازهای یومیه را میتوان بدیگری اقتدا کرد مثل امام نماز ظهر را بخواند و ماموم نماز عصر را اقتداء کند

سؤالات

در روز جمعه نماز چه حکمی دارد؟ - نماز جمعه چند رکعتست؟ - وقت نماز جمعه کی است؟ - واجبات نماز جمعه چند چیز است؟ - نماز جمعه از چند نفر ساقطست؟ - نماز آیات برای چه چیز واجب میشود؟ - نماز آیات چند رکعتست و بچه طریق خوانده میشود؟ - وقت نماز خسوف و کسوف کی است

نماز زلزله و سایر آیات تا کی اداء است ؟ - نماز نذر و عهد و سوگند کدام
است ؟ - نماز طواف چند رکعت است ؟ - چه کس باید نماز قضاء را
بجا آورد ؟ - بعد از فوت پدر قضاء نماز بر کی واجب است ؟ - ممکن است
کسیرا اجیر نماید برای نماز فوت شدهٔ انسان میت یا نه ؟ - نماز عمره کدام است
شرایط نماز مسافر چند چیز است و کدامند ؟ - فرسخ شرعی چند است ؟ -
در کجا مخیر است بین قصر و اتمام ؟ - جماعت در کدام نماز واجب در کدام
مستحب است ؟ - کمتر عددیکه نماز جماعت با آن منعقد میشود چند نفر است ؟ -
شرایط نماز جماعت چند چیز است ؟ - عادل کیست ؟ - نماز جماعت چیست ؟ -
مأموم میتواند فعلی پیش از امام بجا آورد یا نه ؟ - قصد اقتداء بامام
معین واجب است یا نه ؟ - چه وقت مأموم با امام برسد رکعت اول را
درک کرده ؟ - هرگاه مأموم در اثنای نماز امام برسد چه باید بکند
مأموم میتواند قصد انفراد کند یا نه ؟ - هر یک از نمازهای یومیه را
میتوان بدیگری اقتداء کرد یا نه ؟ -

درس سی و سیم - باب سیم
در اقسام و احکام روزه - فصل اول

در اقسام روزهٔ واجب و حرام - روزه امساک نمودن از
طلوع فجر است تا مغرب شرعی از چیزهائیکه ذکر میشود به
نیت روزه .

روزه بر چهار قسم است واجب - حرام - مستحب - مکروه

روزه های واجب - روزه های واجب چهار است
اول - روزهٔ ماه رمضان و قضاء آن .
دوم - کفاره .
سوم - روزه واجب بنذر و عهد و یمین و اجاره .
چهارم - روزهٔ روز سوم اعتکاف .

روزه های حرام - روزه های حرام هشت است
اول - روزهٔ عید رمضان و عید قربان .
دوم - روزهٔ یوم الشک یعنی روزیکه معلوم نیست
که آخر شعبان است یا اول رمضان بقصد رمضان .

حکمت روزه - توجه بخدا داشتن و با خبر شدن از حال فقرا
واحسان کردن در حق آنها است .

سوّم - روزهٔ صمت یعنی با نیّت روزه قصد کند که از صبح تا شام حرف نزند .

چهارم - روزهٔ وصال یعنی قصد کند که زیاده بر یک صبح تا شب امساک کند مثل اینکه از سحر تا سحر دیگر چیزی نخورد یا دو شبانه روز امساک نماید .

پنجم - روزهٔ واجب در سفر مگر آنکه سفر او حرام یا سفر شغل او باشد

ششم - روزهٔ روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه برای کسیکه در منی باشد .

هفتم - روزهٔ مستحب گرفتن زن بی اذن شوهر و بنده بی اذن آقا

هشتم - روزهٔ کسیکه روزه گرفتن برای او ضرر داد

درس سی و چهارم - فصل دوّم - در روزهٔ ماه رمضان

روزهٔ ماه رمضان واجب است بر کسیکه بالغ و عاقل و حاضر و سالم از مرض و خالی از حیض و نفاس باشد نیّت روزه را باید پیش از طلوع فجر نماید در صورتیکه جاهل بود یا فراموش

کرده باشد قبل از ظهر هر وقت یادش آمد نیّت کند اگر مفطر بعمل نیاورده .

اشخاصیکه روزهٔ آنها صحیح نیست از اینقرارند

اوّل - دیوانه   دوّم - کافر .

سوّم - زنیکه در حیض یا نفاس باشد .

چهارم - مسافریکه نماز او قصر باشد .

پنجم - کسیکه از روزه ترس ضرر داشته باشد یا بر خودش مثل اینکه بترسد که ناخوش شود یا ناخوشیش طول کشد یا بر طفل مثل مرضعه که بترسد شیرش کم شود یا حامله که از روزه بر خود یا طفلش بترسد .

ششم - پیره مرد و پیره زن که روزه برانها مستحب باشد .

هفتم - کسیکه بواسطهٔ عطش نتواند صبر کند .

حامله و پیره و کثیر العطش باید عوض هر روز یک مدّ طعام صدقه بدهند (مدّ یک چهاریک الا ششم مثقال ا سنتقریبا) غیر دیوانه و کافر هر وقت توانستند باید قضاء روزه را بگیرند

بر طفل و دیوانه روزه واجب نیست ولی از او صحیح است

ثبوت ماه رمضان

ماهِ رمضان به پنج چیز ثابت میشود

اول - دیدنِ هلال دوم گذشتن سی روز از اول شعبان

سوم - شهادتِ دو مردِ عادل .

چهارم - حکم حاکِم شرع که خطای او معلوم نباشد

پنجم - شیاع و هرچه مفیدِ علم باشد .

درس سی و پنجم - فصل سیم

مُفطرات یا مبطلات روزه

مفطرات روزه که باید از آنها امساک نمود ده امر است

اول و دوم - خوردن و آشامیدن سوم غبار و دود غلیظ بحلق رساندن چهارم سر زیرِ آب فرو بردن .

پنجم و ششم - بموجبات جنابت خود را در روز جُنب کردن

هفتم - تا صبح غسل جنابت یا حیض یا نفاس نکرده ماندن

هشتم - دروغ بخدا و پیغمبر (ص) و ائمه بستن نهم قی کردن

دهم - حُقنه کردن بمایع

هر یک از این ده چیز در صورت عمد روزه را باطل میکنند نه در صورتِ سهو هرگاه کسی روزهٔ رمضان را بیکی از این مفطرات عمداً و بدون اکراه باطل کند باید هم قضای آنرا بگیرد و هم کفاره

کفارهٔ روزهٔ رمضان

- یکی از سه چیز است بنده آزاد کردن یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن یا شصت مسکین را طعام دادن

خاتمه

- واجب بر پسر بزرگ قضا روزه که از پدرِ او بسبب عذری فوت شده باشد و میتوانند شخصی را اجیر کنند که بجای میت روزه بگیرد و آنرا روزهٔ اجاره گویند

سؤالات امتحانیه

روزه چیست ؟ - روزه های واجب چند تا است ؟ - روزهٔ حرام چند است ؟ - روزه رمضان بر چه کس واجب است ؟ - نیت روزه را چه وقت باید کرد ؟ - چه اشخاصی روزهٔ آنها صحیح است ؟ - روزه رمضان بچند چیز ثابت میشود ؟ - مبطلات روزه چند امر و کدامند ؟ - هر یک از این ده چیز در صورت عمد روزه را باطل میکند یا مطلقا ؟ - اگر کسی روزه ماه رمضان را بیکی از آنها باطل کند چه باید بکند ؟ - کفارهٔ ماه رمضان چیست ؟ - قضا روزه پدر بر پسر واجب است یا نه ؟ - میتوان شخصی را اجیر کرد برای روزهٔ میت یا نه ؟ -

درس سی و ششم - باب چهارم در زکوة

فصل اول

در اقسام زکوة و آنچه در آنها واجب است

زکوة بر دو قسم است زکوة فطره زکوة مال

زکوة فطره - زکوة فطره یا زکوة بدن آنست که در شب عید فطر که شب غرهٔ شوال است واجبست شخص از جهت خود و هر یک از عیالاتش بدهد بشرط آنکه بالغ و عاقل و آزاد و قادر بر مؤنهٔ سالیانهٔ خود و عیالش باشد و واجب النفقه و مهمان کسی که در شب عید نباشد مقدار آن تقریباً یکمن تبریز گندم یا جو یا خرما یا مویز یا قوت غالب شخص است که در شب عید معین کرده صبح عید بدهد و اگر مهمان در شب عید برسد باید فطرهٔ او را هم بدهد .

زکوة مال - واجبست بر کسیکه بالغ و عاقل و آزاد و قادر بر تصرف در اموالش باشد و در نه چیز واجب میشود .

حکمت زکوة فراهم نمودن مالست برای قشون و نظام و حفظ حدود و نگاهداری عجزه و فقراء و غیره

اول - و دوم - نقدین یعنی طلا و نقره

سوم و چهارم و پنجم و ششم - غلات اربع یعنی گندم و جو و مویز و خرما

هفتم و هشتم و نهم - انعام ثلثه یعنی شتر و گاو و گوسفند .

درس سی و هفتم - فصل دوم

شرط وجوب زکوة در نقدین سه امر است

اول - آنکه سکهٔ معامله داشته باشد دوم - آنکه بمقدار نصاب باشد یعنی بمقداریکه باید مال برسد تا بمقدار آن زکوة واجب شود

سوم - گذشتن حول یعنی یازده ماه مقدار نصاب در ملک شخص باشد اول ماه دوازدهم زکوة واجب میشود .

نصاب نقدین - نصاب طلا بیست مثقال شرعی است و در کمتر از آن زکوة نیست و بعد از آن در هر چهار مثقال که رسید زکوة هست

نصاب نقره - دویست درهم است و در کمتر از آن زکوة نیست و بعد از آن در هر چهل درهم زکوة است و مقدار زکوة طلا و نقره چهل یک است یعنی زکوة بیست مثقال طلا نیم مثقال است و چهار مثقال

ده یک مثقال و زکوة دویست درهم پنج درهم است و زکوة چهل درهم یک درهم مثقال شرعی سه ربع مثقال صیرفی است پس بیست مثقال شرعی پانزده مثقال صیرفی بود و دویست درهم مطابق با صد و پنج مثقال صیرفی است و یک درهم دوازده نخود و سه خمس نخود است

فصل سوم

در زکوة غلات اربع - شرط وجوب زکوة در غلات اربع دو امر است

اول - آنکه زکوة دهنده خود این اجناس را کاشته باشد یا آنکه قبل از آنکه خرما زرد و سرخ شود و گندم و جو و مویز دانه ببندد بملک او درآید

دوم - رسیدن بنصاب بعد از وضع کلیه مخارج زانها نصاب هر یک از این چهار چیز سیصد صاع است و در کمتر از این زکوة نیست و هر چند از این مقدار زیاد شود اگر چه کم باشد در آن زکوة واجب است زکوة اینها ده یک است اگر بباران یا بآب رودخانه بعمل آمده باشند و نیم عشر اگر بچرخ و اسباب آب کشی بعمل آید.

وقت دادن زکوة غلات وقت چیدن خرما و انگور و پاک کردن غله از کاه است (سیصد صاع) دویست و هشتاد و هشت من تبریز الا چهل و پنج مثقال است

درس سی و هشتم - فصل چهارم

در زکوة انعام ثلاثه

- شرط وجوب زکوة در انعام ثلثه چهار امر است

اول - حول زیاده از دوازده ماه در ملک زکوة دهنده باشد

دوم - آنکه تمام سال خوراک آنها از چریدن باشد نه از مال مالک

سوم - آنکه کارکن نباشد چهارم - نصاب است

نصاب شتر

- نصاب شتر دوازده است پنج اول تا بیست و پنج هر پنجی یک گوسفند

درس سی و نهم

ششم - بیست و شش و در آن یک شتر بدهد که داخل سال دوم شده باشد هفتم سی و شش و در آن یک شتر است که داخل در سال سوم شده باشد هشتم چهل و شش و در آن یک شتر است که داخل در سال چهارم شده باشد نهم شصت و یک و در آن یک شتر است که داخل در سال پنجم شده باشد دهم هفتاد و شش و در آن دو شتر است که داخل در سال سوم شده باشد یازدهم نود و یک و در آن دو شتر است که داخل در سال چهارم شده باشد

دوازدهم صد و بیست و یک و در آن و هر چه بیشتر شود در هر
پنجاه شتر یک شتر است که داخل در سال چهارم شده باشد یا در
هر چهل شتر یک شتر یکه داخل در سال سیم شده باشد .

درس چهلم - نصاب گاو

نصاب گاو دو تا است اول سی و در آن یک گوساله دوساله بدهد
دوم - چهل و در آن یک گاو ماده است که داخل سال سوم شده
باشد و در زیادتر مختار است که سی سی حساب کند و در هر سی یک
گوساله دوساله بدهد یا چهل حساب کند و در هر یک چهل یک
ماده گاو سه ساله بدهد

نصاب گوسفند - نصاب گوسفند پنج است .
اول - چهل و در آن یک گوسفند است .
دوم - صد و بیست و یک و در آن دو گوسفند است .
سوم - دویست و یک و در آن سه گوسفند است .
چهارم - سیصد و یک و در آن چهار گوسفند است .
پنجم - چهارصد و در آن و هر چه بیشتر شود در هر صد یک گوسفند بدهد .

درس چهل و پنجم - فصل پنجم

در مستحقین زکوة و آنها سه طایفه اند .
اول - فقراء و مساکین و آنها کسانی هستند که قوه تحصیل
یکساله آذوقه خود را نداشته باشند .
دوم - کسانی که جمع آوری زکوة میکنند .
سوم - اشخاصیکه کمک مسلمین در جهاد میکنند اگرچه کافر باشند
چهارم - برای آزاد کردن هر بنده که در سختی باشد .
پنجم - قرضداریکه نتواند قرض خود را بدهد .
ششم - مطلق خیرات و هر چه نفع عامه در آن باشد مثل جهاد و پل
و مسجد ساختن وغیره .
هفتم - کسیکه در غربت بی چیز مانده و دستش بمالش نرسد
خاتمه - در مستحق زکوة شرط است که واجب النفقه
زکوة دهنده نباشد چون پدر و مادر و اولاد و زن و هم
چنین سید نباشد در صورتیکه زکوة دهنده غیر سید باشد

سؤالات

زکوة بر چند قسم است ؟ - زکوة فطره کدام است ؟ - مقدار زکوة فطره چقدر است ؟ - زکوة مال بر کی واجبست ؟ - زکوة مال در چند چیز واجب میشود ؟ - شرط وجوب زکوة در نقدین چند امر است ؟ - نصاب طلا چقدر است مقدار زکوة نقره و طلا چیست ؟ - مثقال شرعی چه نسبت با مثقال صیرفی دارد دو بیست درهم مطابق با چند مثقال صیرفی است ؟ - شرط وجوب زکوة در غلات اربع چند امر است ؟ - نصاب هر یک از غلات اربع چقدر است ؟ - زکوة چند آ سیصد صاع چند من تبریز است ؟ - شرط وجوب زکوة در انعام ثلثه چند امر است شتر چند نصاب دارد و کدامند ؟ - نصاب گاو چند تا است ؟ - نصاب گوسفند چند تا است ؟ - مستحقین زکوة چند طایفه و کدامند ؟ - شرط مستحقین زکوة چیست

درس چهل و دوم - باب پنجم - فصل اول

در اینکه خمس با آن تعلق میگیرد - خمس یعنی پنج یک مالست که باید داده شود و آن بهفت چیز تعلق میگیرد .

اول - اینکه از کفار حربی بدست آید .

دوم - معدن مثل فیروزه و مس و نمک وغیر آن .

سوم - گنج که از زمین بیرون آید و در وجوب خمس در معدن و گنج آن شرط است که بعد از وضع مخارج قیمت بقیه قلا پانزده مثقال صیرفی طلا بشود .

چهارم - چیزهائیکه اندر دریا بفرو رفتن در آن بیرون آورند شرط آنکه قیمت آن بعد از وضع مخارج تقریباً تا قلا سه ربع مثقال صیرفی دارا باشد .

پنجم - زمینی که ذمی از مسلم بخرد و باید ذمی خمس آنرا بدهد

ششم - مال حلالیکه مخلوط بحرام شود و مالک و مقدار حرام معلوم نباشد در اینصورت پس از دادن خمس آن باحلال میشود

هفتم - منافعیکه از تجارت و صنعت و زراعت و هر نوع کسب حاصل شود بعد از وضع مخارج حاصل شود بعد از وضع مخارج خود و عیالش بطور میانه روی هرچه بماند خمس آنرا باید بدهد

فصل دوم — در مصرف خمس

خمس نصفش مال امام است که باید در این زمان بمجتهد برسد که او باصناف سادات وغیره برساند و نصف مال یتیم و فقیر و ابن سبیل یعنی غریب از سادات که شیعه اثنی عشری و بسیادت معروف باشند و سید کسیست که از طرف پدر باولاد هاشم باشد که جد حضرت رسولست

سؤالات

خمس چه معنی است ؟ - خمس بچند چیز تعلق میگیرد و آنها کدامند ؟ - خمس مال کیست و بکه باید برسد ؟ - سید چه کسی است ؟ -

درس چهل و سیم — باب ششم — در احکام حج

فصل اول — در شرایط وجوب حج و اقسام آن

حج زیارت کردن مکه معظمه است بترتیبی که از شرع رسیده
حج بر حسب اصل شرع در تمام عمر یکمرتبه واجب میشود و آنرا
حجة الاسلام گویند و گاهی بسبب نذر و غیر آن نیز حج واجب میشود
حجة الاسلام بر کسی واجبست که بالغ و عاقل و آزاد و مستطیع
باشد استطاعت حاصل میشود بچهار امر

اول — استطاعت مالی باینکه قدرت و تمکن داشته باشد
بر خرج رفتن بمکه و برگشتن خود از حیث آذوقه و مرکب سواری
و غیره و هم قادر باشد بر مخارج کسانیکه واجب النفقه او هستند
تا وقت برگشتن بقدر شان و شرفش و بعد از برگشتن بذلت نیفتد

دوم — استطاعت بدنی باینکه مریض نباشد که رفتن و سواری
براو سخت باشد.

سوم — استطاعت زمانی باینکه وقت رفتن و رسیدن بمکه در موقع حج برای او باشد

چهارم — امن بودن راه و مانع نداشتن از اعمال حج هر وقت

این شرایط جمع شد در همان سال باید حج کند و تأخیر نیندازد
و اگر آن سال نرفت سال دوم باید برود و هکذا

اقسام حج

— حج بر سه قسم است حج تمتع حج افراد حج قران
حج تمتع بر کسی واجبست که منزل او اقلاً از مکه شانزده فرسخ
دور باشد و حج افراد و قران بر کسی واجبست که کمتر از این
مقدار از مکه دور باشد و هر یک از این سه قسم مشتمل است
بر یک عمره و یک حج

درس چهل و چهارم — فصل دوم

در افعال عمره تمتع و حج تمتع بطریق اجمال افعال عمره پنج است
اول — احرام دوم — طواف سوم — نماز طواف
چهارم — سعی بین صفا و مروه پنجم — تقصیر.

افعال حج

— چهارده است اول — احرام دوم —
وقوف بعرفات — سوم وقوف بمشعر — چهارم افاضه

حکمت حج

توجه بخدا کردن جمع شدن مسلمین از بلاد مختلفه و اطلاع پیدا کردن
از اخلاق و عادات و صنایع و تجارت همه مملکت و تحصیل اخبار و علوم و ترویج مذهب

از مشعر بمنی پنجم رمی جمرهٔ عقبه ششم قربانی هفتم حلق
هشتم طواف نهم نماز طواف دهم سعی یازدهم طواف
نساء دوازدهم نماز طواف نساء سیزدهم مبیت بمنی چهاردهم رمی جمرات

فصل سیم — در بیان احرام عمرهٔ تمتع

اول - افعال عمرهٔ تمتع است که شخص وقتی بمیقات رسید
باید از آنجا احرام عمره ببندد باینطریق که نیت احرام عمرهٔ
تمتع نموده و این ذکر را میگوید لبیک اللهم لبیک لبیک ان
الحمد والنعمة والملک لک لا شریک لک لبیک و آنرا
تلبیه گویند و مرد یک لنگ می بندد و پارچه بدوش میاندازد
که نماز در آنها صحیح باشد و این دو را جامهٔ احرام گویند.

میقات - عبارت از پنج جا است که وقتی حاجیان باینجاها یا محاذی
آن رسیدند باید احرام ببندند و گذشتن از اینجاها بی احرام جایز نیست
اول - ذو الحلیفه که حاجیان از راه مدینه که بمکه میروند باینجا میرسند
دوم - جحفه است که از راه شام باینجا میرسند.
سوم - یلملم است که از راه یمن باینجا میرسند

چهارم - قرن المنازل است که از راه طائف باینجا میرسند.
پنجم - عقیق که از راه عراق عرب باینجا میرسند.

درس چهل و پنجم — فصل چهارم

در تروک احرام یعنی چیزهائیکه محرم باید از آنها اجتناب کند و آنها دوازده امرست
اول - شکار کردن و کمک بشکار کردن و نشان دادن و خوردن و نگاهداشتن
دوم - جماع و مقدمات آن و صیغهٔ نکاح خواندن و شاهد شدن
سوم - استعمال عطر و بوی خوش و از بوی بد بینی گرفتن.
چهارم - پارچهٔ دوخته پوشیدن برای مرد یا چیزیکه پشت پا را
بپوشاند ولی برای زن ضرر ندارد.
پنجم - لا والله و بلی والله گفتن و دروغ و فحش.
ششم - شپش کشتن یا از بدن و جامه انداختن.
هفتم - روغن ببدن مالیدن.
هشتم - رفتن در زیر سایه چیزیکه بالای سر[1] باشد و سر را
پوشانیدن

[1] اگر بالای سر باشد مثل اینکه در سایه کجاوه راه بروند ضرر ندارد

نهم - بدون ضرورت مو از بدن جدا کردن و ناخن گرفتن .

دهم - سلاح پوشیدن .

یازدهم - بجهت زینت انگشتر در دست کردن و سرمه کشیدن .

دوازدهم - زن زینت خود را بشوهر و محارم خود اظهار کردن .

درس چهل و ششم - فصل ششم - در طواف و نماز آن

بعد از احرام اوّل - افعال عمره طواف که باید از میقات بمکه رفت و بجا آورد و آن گردیدن بدور خانه کعبه است و در آن هشت چیز واجبست .

اوّل - طهارت از حدث و خبث .

دوّم - ختنه کردن مرد اگر ختنه نکرده است .

سوّم - نیت طواف .

چهارم - انکه گردیدن بدور خانه کعبه هفت نوبت باشد که هر نوبت را شوط گویند .

پنجم شروع بطواف از حجر و بهمانجا هم ختم کند .

ششم - کعبه را در طواف طرف یسار خود قرار دهد .

هفتم - انکه طواف بین مقام ابرهیم و خانه باشد .

هشتم - حجر اسمعیل را داخل طواف نماید .

نماز طواف - بعد از طواف باید دو رکعت نماز در مقام ابرهیم بخواند عقب یا پهلوی آن و این نماز طواف

فصل ششم - در سعی و تقصیر

بعد از طواف واجبست سعی بین صفا و مروه و آن رفتن از صفا بمروه و از مروه بصفا است و واجبست در آن نیت و آن ابتدا کردن بصفا و ختم بمروه و هفت شوط پی در پی سعی کردن از صفا بمروه

تقصیر - بعد از سعی باید تقصیر کرد و آن گرفتن مو و ناخن است یا قدری از موی بدن جدا کردن و بعد از تقصیر انچه در احرام حرام بود حلال میشود و تا اینجا اعمال عمره تمام میشود

درس چهل و هفتم - فصل هفتم در افعال و اجبه حج تمتع

بعد از عمره شروع میکند باعمال حج تمتع و اوّل انها احرام است بطریقیکه در احرام گفته شد الّا اینکه میقات احرام حج تمتع

مکه است که از آنجا احرام می بندد.

وقوف بعرفات - بعد از احرام میرود بعرفات و از ظهر تا شام روز نهم ذیحجه در آنجا میماند و این وقوف بعرفات است.

وقوف بمشعر - بعد از مغرب روز نهم ذیحجه قبل از خواندن نماز مغرب از عرفات میرود بمشعر الحرام و تا طلوع آفتاب روز عید در آنجا میماند.

افاضه از مشعر بمنی - بعد از وقوف بمشعر بطرف منی میرود و باید بعد از طلوع آفتاب روز عید قربان در منی باشد و در آنجا سه عمل بجا آورد.

اول - رمی جمرهٔ عقبه یعنی هفت سنگریزه بمیلی[1] که آنرا جمرهٔ عقبه گویند میزند.

دوم - بعد از رمی جمرهٔ عقبه قربانی کند یعنی یک گوسفند یا گاو یا شتر میکشد و آنرا هدیه یا صدقه میدهد.

سوم - بعد از قربانی چیزی از موی خود ازاله کند و آنرا حلق گویند - بعد از حلق بمکه بر میگردد و در مکه سه عمل بجا میآورد

اول - طواف حج میکند با نماز آن

دوم - سعی بین صفا و مروه

سوم - طواف نساء با نماز آن بطریقیکه در عمره گفته شد بعد از آنکه این کارها را در مکه کرد بر میگردد بمنی و شب یازدهم و دوازدهم ذیحجه را در آنجا میماند و در هر یک از این دو روز اول جمرهٔ اولی و بعد جمرهٔ وسطی و بعد جمرهٔ عقبه را هفت سنگریزه میزند و افعال الحج تمام میشود و تمام این افعال باید بانیت بجا آورده شود

درس چهل و هشتم - فصل هشتم
در بیان حج افراد و قران

افعال حج افراد و قران مثل افعال حج تمتع است مگر اینکه عمرهٔ تمتع قبل از حج است و طواف نساء ندارد و عمرهٔ افراد و قران بعد از حج است و طواف نساء دارد که بعد از تقصیر طواف نساء و نماز را بجا بیاورد و احرام حج قران و افراد باید از میقات باشد یا منزل او اگر نزدیکتر بمکه باشد یا مکه اگر منزل او در خود مکه باشد و فرق بین افراد و قران اینستکه در حج

۱ - میل یا ذاتینها اسم مکانی است

قران مختار است که در وقت نیت احرام تلبیه بگوید مثل تمتع یا اینکه اشعار یا تقلید کند اشعار آنستکه شتر را که بجهت قربانی میبرد جانب راست کوهان آنرا زخم زند و بخون آلوده کند و تقلید آنستکه بگردن قربانی که میبرد نعلین بیاویزد که در آن نماز خوانده باشد

سؤالات

حج کدامست؟ - حج در تمام عمر چند مرتبه واجبست؟ - حجة الاسلام بر چه کس واجبست؟ - استطاعت بچند امر حاصل میشود و در چه سال باید حج کرد؟ - حج بر چند قسم است؟ - حج تمتع بر کی واجبست؟ - حج افراد و قران بر کی واجبست؟ - هر یک از سه قسم حج مشتمل بر چیست؟ - افعال عمرهٔ تمتع چند تا است؟ - افعال حج چند تاست و کدامست؟ - اول افعال عمرهٔ تمتع چیست؟ - احرام بچه طریق است؟ - میقات عبارت از چیست؟ - تروک احرام چند امر و کدامند؟ - بعد از احرام چه باید کرد؟ - طواف کدام است؟ - در طواف چند چیز واجبست و کدامند؟ - نماز طواف کدام است؟ - سعی کدام است؟ - در سعی چه واجبست؟ - بعد از سعی چه باید کرد؟ - تقصیر کدامست؟ - بعد از عمرهٔ اول افعال حج تمتع چیست؟ - وقوف بعرفات چیست؟ - چه وقت باید بمشعر رفت بعد از وقوف بمشعر چه باید کرد؟ - در منی چند امر بجا میآورد؟ - بعد از فراغ از اعمال مکه کجا میرود و چه کار میکند؟ - در این افعال نیت لازم است یا نه؟ - افعال حج افراد و قران از کجا است؟ - فرق بین افراد و قران حیث اشعار کدامست؟ -

درس چهل و ششم - باب هفتم

در جهاد و امر بمعروف و نهی از منکر

فصل اول - جهاد بر دو قسم است جهاد بمعنای حمله و تعرض و جهاد بمعنای دفاع جهاد بمعنای حمله مخصوص است بزمان حضور امام و مشروط است باذن امام یا نایب خاص او و در زمان غیبت واجب نیست جهاد از طفل و دیوانه و بنده و اشخاص پیر و کور و زمین گیر و مریض و عاجز از جنگ و امثال آنان ساقط است و جهاد با سه طایفه واجبست طایفهٔ اول یهود و نصاری و مجوس و اینها را کتابی و اهل کتاب گویند از جهة اینکه دارای کتاب آسمانی و پیغمبر بوده اند و با این طایفه جهاد واجبست بحکم امام تا اینکه مسلمان شوند یا شرایط ذمه را قبول

کنند یا بر حسب مصلحت امام با آنها صلح کند یا امان دهد

شرائط ذمه - شرائط ذمه شرائطیست که امام با اهل کتاب قرار میدهد که بعضی از آنها از اینقرار است

اول - جزیه دادن.

دوم - اطاعت کردن از احکام مسلمین و اذیت نکردن آنها.

سوم - مرتکب نشدن محرمات را علناً.

چهارم - جاسوسی نکردن برای کفار و در صورت قبول شرایط ذمه جان و مال و ناموس ایشان محترمست و تعرض بآنها جایز نیست

جزیه - یک نوع مالیاتیست که امام قرار میدهد سالی بدهند و تعیین آن بسته بنظر امام است.

طایفه دوم کفار حربی یعنی غیر کتابی و با آنها با امر امام جهاد واجبست تا اینکه مسلمان شوند مگر اینکه امام آنها را امان دهد یا با آنها صلح کند.

طایفه سوم کسانیکه بر امام یاغی شده اند با آنها باید جنگ کرد تا مطیع شوند

دفاع - جهاد بمعنای دفاع وقتی واجبست که کفار بخواهند

مملکت اسلامی یا مقداری از آنرا متصرف کنند یا مسلمین را اسیر کنند یا اموال ایشانرا بغارت ببرند در اینصورت دفاع واجبست بر تمام مسلمین از مرد و زن و آزاد و بنده و سالم و مریض چه در زمان حضور و چه در زمان غیبت بهر طریقیکه ممکن شود و اذن امام لازم نیست و هیچ شرطی ندارد و بر حسب اقتضای زمان باید اسباب آنرا از قبیل اسلحه و تحصیل علم نظام وغیره تهیه کرده و اقدام نمود.

غنیمت و احکام آن - غنیمت مالی است که مسلمین در جنگ از کفار میبرند و آن بر دو قسم است منقول و غیر منقول

منقول چون اثاث البیت و لباس و اسیر وغیره بعد از وضع مخارج جنگ و خمس باقی هرچه بماند بین جهاد کنندگان تقسیم میشود سواره دو سهم و پیاده یک سهم میبرد.

غیر منقول مثل شهر و زمین و قریه وغیره بعد از وضع خمس باقی تمام مال مسلمین است که منافع آنها صرف منافع عمومی مسلمین شود و آنها را اراضی مفتوح العنوه گویند.

درس پنجاهم - فصل دوم - امر بمعروف و نهی از منکر

معروف یعنی کار نیک اگر واجب باشد چون نماز واجب
امر بآن واجبست و اگر مستحب باشد امر بآن مستحب است و
منکر یعنی کار بد که اگر حرام باشد نهی از آن واجبست و اگر
مکروه باشد نهی از آن مستحب است و شرایط وجوب امر
بمعروف و نهی از منکر چهار است .

اول - انکه خود امر بمعروف و نهی از منکر را بداند تا بغلط
امر و نهی نکند .

دوم - آنکه احتمال بدهد که امر و نهی او اثر میکند پس
اگر بداند اثر نمیکند واجب نیست .

سوم - انکس که کار بد میکند توبه نکرده باشد پس اگر
پشیمان شده و توبه کرده باشد امر و نهی واجب نیست .

چهارم - انکه امر و نهی موجب مفسده و ضرری بخود و یا
یکی از مسلمانان نشود پس اگر این شروط محقق شد باید
شخص اظهار آزردگی نماید و اگر بداند نفعی اثر نمیکند از او

دوری کند و اگر آنهم اثر نمیکند او را نصیحت و موعظه نماید
اگر آنهم اثر نمیکند او را بزند تا ترک کند ولی نه بحدیکه او را مجروح سازد

خاتمه

بدانکه واجب بر دو قسمست واجب عینی و واجب کفائی
واجب عینی آنستکه بر هر فرد فرد واجبست و از بجا آوردن
یکی از دیگران ساقط نمیشود چون نماز و روزه و خمس و زکوة و حج
واجب کفائی آنستکه اگر بعضی بجا آورند از دیگران ساقط
میشود چون اعمال میت که اگر یکنفر میت را غسل دهد
و کفن و دفن و نماز کند از دیگران ساقط میشود مثل جهاد
که اگر عده‌ای دیگر کافی باشند حاضر شدند از دیگران
ساقط میشود

حکمت امر بمعروف و نهی از منکر - بر هر یک از افراد مردم لازمست برای اجرای
احکام و افعال خیر و جلوگیری از افعال بد ظلم و تعدی و اعمال مضره بحال
مملکت و ملت و غیره

سؤالات

جهاد بر چند قسم است ؟ - جهاد یعنی چه ؟ - حمله در چه وقت واجبست ؟ - جهاد

از چه اشخاص ساقط است؟ - جهاد با چند طایفه باید کرد؟ - طایفهٔ اول کدام اند؟ - شرایط ذمه چیست؟ - جزیه کدام است؟ - طایفهٔ دوم کدام اند؟ - طایفهٔ سوم چه کسانند؟ - جهاد بمعنای دفاع چه وقت واجب است؟ - غنیمت کدام است و بر چند قسمت و احکام آن چیست؟ - امر بمعروف چه وقت واجب و چه وقت مستحب است؟ - شرایط وجوب امر بمعروف و نهی از منکر چند چیز است و کدام است؟ - امر بمعروف و نهی از منکر چه ترتیب باید کرد؟ - واجب چند قسمت؟ - واجب عینی کدام است؟ - واجب کفائی چیست

درس پنجاه و یکم - باب هشتم - در اقسام کسب

تجارت و کسب پنج قسمت. واجب. مستحب. مباح. مکروه. حرام

کسب واجب است که قوت شخص و عیال واجب النفقه او با ادا دین یا واجب دیگر موقوف بر آن کسب باشد.

کسب مستحب کسبی است که غرض از آن وسعت بر عیال یا نفع رسانیدن بمسلمین باشد.

کسب مباح کسبی است که غرض از آن زیاد شدن مال باشد

کسب مکروه بعضی کسبها است که در شرع مرجوح است

چون صرافی و کفن فروشی و نحو آن

کسب حرام پنج نوع است نوع اول خرید و فروش نجاسات چون شراب و میته و بول و سرگین حیوان حرام گوشت و خوک و سگ و سایر نجاسات مگر سگ شکاری و سگ گله و سگی که محافظت باغ یا خانه یا زراعت مینماید و اما چیزهائیکه بملاقات نجس نجس شده اند معامله با آنها جایز است در صورتیکه منفعت حلال داشته باشد.

نوع دوم - معامله چیزهائیکه مقصود از آنها حرام باشد مثل آلات قمار و لهو چون شطرنج و نرد و تار و صلیب یا چیزیکه برای عمل حرام خریده شود مثل خریدن انگور برای شراب انداختن و چوب برای بت تراشیدن و مثل فروختن اسلحه جنگ بدشمنان دین وقت جنگ و براه زنان و ساختن سلاح برای آنها

نوع سوم - معامله چیزهائیکه فایده ندارد مثل مار و عقرب و جعل و سایر حشرات ولی هر کدام منفعت داشته باشد معامله آن جایز است.

نوع چهارم - معامله با فعال الحرام و اجرت گرفتن بر آنها مثل
مجسمه صاحب روح درست کردن و لے نگاهداشتن و معامله با آن
و غنا خواندن و آوازهائیکه مخصوص مجلس لهو است و سحر و شعبده
و قمار کردن و معامله کتابهائیکه بر ضد دین و اسباب گمراهیست
و نگاهداشتن آنها مگر برای رد کردن و نحو آن معامله بمال
غیر چون غصب و وقف و نحو آن و رشوه دادن و گرفتن و معاونت
و همراهی کردن بظالم در ظلم بمردم و دشنام دادن و بدگوئی
مسلمانان و هجو کردن آنها و دروغ گفتن مگر برای ضرورت و
مصلحت و مدح کردن کسیکه مستحق ذم است و سخن چینی کردن و
زیاد کردن قیمت چیزی برای اینکه مشتری زیاد کند با اینکه
خود قصد خریدن نداشته باشد .

نوع پنجم - اجرت گرفتن بر چیزهائیکه بر خود شخص واجبست
چون نماز و روزه و نحو آن

احتکار - احتکار نگاهداشتن جو و گندم و خرما و مویز و
روغن است بانتظار آنکه گران شود و احتکار در صورتیکه مردم

محتاج باشند و کسی نباشد که رفع احتیاج از آنها نماید حرام است
و باید محتکر را مجبور بفروش کرد

درس پنجاه و دوم — فصل اول
در عقد بیع و شرایط آن

بیع بمعنای خرید و فروش کردنست فروشنده را بایع و خریدار را
مشتری و آنچه فروخته میشود مبیع ثمن و آنچه در عوض گرفته
میشود ثمن گویند   عقد بیع مرکبست از ایجاب که از طرف
بایع واقع میشود و قبول که از طرف مشتری واقع میشود ایجاب
مثل آنکه بایع بگوید بِعتُکَ یا اَعطَیتُکَ هٰذَا الکِتابَ
بخمسة قران یعنی فروختم یا دادم این کتاب را به پنج قران
قبول مثل اینکه مشتری بگوید قَبِلتُ یعنی قبول کردم یا اِشتَرَیتُ
یعنی خریدم و بغیر عربی نیز عقد بیع واقع میشود بهر زبانی باشد

بیع معاطاة - بیع معاطاة آنستکه لفظی نگویند بلکه بی
صیغه جنس را بدهد و عوض را بگیرد بقصد بیع مثل متعارف که پول
ببقال و عطار میدهند و از آنها جنس میگیرند بیع معاطاة صحیح است

لیکن لازم نمیشود مگر آنکه یکی از دو طرف در آنچه باو رسیده
تصرف کند یا تلف شود . شرایط بیع زیاد است
اوّل - آنکه بایع و مشتری بالغ و عاقل و آزاد و مختار باشند
و قصد معنای بیع را داشته باشند پس بیع طفل و دیوانه و
کسیکه قصد بیع نداشته باشد مثل مست و بیهوش و خفته
و بیع بنده بدون اذن آقا صحیح نیست و اگر آنکه اکراه شده است
بعد راضی به بیع شود صحیح میشود و الا باطل است
دوّم - آنکه بایع و مشتری مالک مبیع و ثمن باشند یا قائم مقام
مالک پس اگر کسی مال غیر را بفروشد یا ثمن قرار دهد موقوف
میشود باجازه مالک اگر اجازه کرد صحیح است و الا باطل
میشود و این بیع را بیع فضولی گویند .

درس پنجاه و سوم

سوّم - آنکه مبیع و ثمن شرعاً قابل ملک باشند مثل
شراب و خوک برای مسلمان و مثل حشرات و نحو آن .
چهارم - آنکه فروشنده قادر بر تسلیم مبیع باشد پس فروختن

ماهی در دریا یا غلام گریخته صحیح نیست
پنجم - آنکه مبیع و ثمن معلوم باشد بمشاهده یا وصف بنحویکه
رفع جهالت کند و همچنین مقدار آن باید معلوم باشد بوزن
یا کیل یا ذرع یا شماره یا دیدن در هر چیزی بنحویکه متعارف است
ششم - آنکه مبیع عین باشد نه منفعت ولی ثمن اگر منفعت باشد ضرر ندارد
هفتم - آنکه حق دیگری تعلق بمبیع یا ثمن نداشته باشد پس بیع
وقف و نحو آن جایز نیست قائم مقام مالک عبارتست از
پدر و جد پدری و وصی آنها و وکیل و حاکم شرع و امیر او

سؤالات

تجارت بر چند قسم است ؟ - کسب واجب کدام است ؟ - مستحب کدام است ؟ - کسب مباح چیست ؟
کسب مکروه چیست ؟ - کسب حرام بر چند نوع است ؟ - نوع اول از کسبهای حرام کدام است ؟
نوع دوّم کدام است ؟ - نوع سوم چیست ؟ - نوع چهارم کدام است ؟ - نوع پنجم چیست ؟
نوع ششم کدام است ؟ - احکام آن چیست ؟ - احتکار چیست و حکمش کدام است ؟ -
بیع یعنی چه ؟ - بایع و مشتری و ثمن و مثمن و مبیع را معنی کنید ؟ - عقد چگونه است ؟ -
ایجاب مثل چه ؟ - قبول مثل چه ؟ - بغیر عربی عقد بیع واقع میشود یا نه ؟ - بیع معاطاة

کدامست؟ - معاطاة حکمش چیست؟ - شرایط بیع را بیان نمائید؟ - قائم مقام مالک کیست

درس پنجاه و چهارم - فصل ششم - در اقسام بیع

بیع بر ده قسم است.

اول بیع نقد - دوم کالی بکالی - سوم نسیه - چهارم سلف
پنجم تولیه - ششم مرابحه - هفتم مواضعه - هشتم مساومه -
نهم رباء - دهم صرف.

بیع نقد آنستکه ثمن و مثمن هیچکدام وعده نداشته باشد

بیع کالی بکالی یا دین بدین آنستکه ثمن و مثمن هر دو بوعده باشند و این قسم از بیع باطل است.

بیع نسیه آنستکه ثمن تنها وعده داشته باشد و در آن شرط است که زمان اداء ثمن معین باشد پس اگر بگوید هر وقت بخواهی بده مثلا باطل است

بیع سلف یا سلم یعنی خرید کردن و آن آنستکه تنها مبیع وعده داشته باشد و آن علاوه بر شرایط بیع سه شرط دارد.

اول - آنکه زمان مبیع معین باشد.

دوم - آنکه ثمن در مجلس نقد داده شود.

سیم - آنکه در سر وعده تسلیم مبیع ممکن باشد.

بیع تولیه آنستکه فروشنده سرمایه که با آن مبیع را خریده ذکر کند و بهمان مقدار مبیع را بفروشد.

مرابحه آنستکه مبیع را بزیاده از آنچه خریده بفروشد.

مواضعه آنستکه بکمتر از آنچه خریده بفروشد.

مساومه آنستکه اصلا ذکر سرمایه نکند.

رباء یا بیع ربوی فروختن جنسی است که عادتا بوزن یا کیل فروخته میشود بهمان جنس با زیاده مثل اینکه یک خروار گندم بیک خروار و پنج من بفروشد و اگر گندم به برنج بفروشد مثلا رباء نیست و همچنین در مثل تخم مرغ که بشماره است یا پارچه که بذرع است و نحو آن رباء نیست.

رباء حرام و باطل است مگر ما بین پدر و فرزند و شوهر و زن و آقا و بنده و مسلمان و کافر اگر مسلمان زیاده بگیرد.

بیع صرف - بیع طلا بطلا یا نقره بنقره یا نقره بطلا است چه سکه داشته باشد یا نه و در بیع صرف علاوه بر شرایط

بیع شرط است که پیش از آنکه متفرق شوند ثمن و مثمن را
قبض و تسلیم نمایند پس اگر قبل از قبض متفرق شوند باطل
میشود و در بیع طلا بطلا و نقره بنقره حکم ربا جاری میشود

درس پنجاه و پنجم - فصل دوم - در خیارات

خیار بمعنای اختیار داشتن یکی از دو طرف بیع است بر
اینکه معامله را برهم زند یا باقی گذارد و چون عقد بیع لازم
است هیچیک از دو طرف نمیتوانند آنرا فسخ و رد کنند مگر
در موارد معینه که آنها را خیارات گویند و خیارات
دوازده قسم است از اینقرار .

خیار مجلس خیار حیوان خیار شرط خیار تأخیر ثمن
خیار غبن خیار رؤیت خیار عیب خیار تدلیس خیار
شرکت خیار تعذر تسلیم خیار اشتراط خیار تفلیس

خیار مجلس آنستکه بایع و مشتری مادامیکه از مجلس
عقد متفرق نشده اند میتوانند آنرا برهم زنند .

خیار حیوان آنستکه کسی حیوانی خریده باشد تا سه روز میتواند آنرا رد کند

خیار شرط - آنستکه در عقد شرط کنند که برای یکی از دو
طرف یا شخص خارجی تا زمان معین اختیار فسخ معامله باشد
و در این صورت بهمان طریق که شرط کرده اند خیار ثابت میشود
و از این قبیل است بیع شرط یا بیع خیار و آن چنانست که در عقد
شرط کنند در صورت رد ثمن در مدت معینه برای بایع خیار فسخ باشد

خیار تأخیر ثمن آنستکه هرگاه تا سه روز بایع مبیع را به
تصرف مشتری نداده و مشتری نیز چیزی از ثمن به بایع نداده
باشد و شرط تأخیر نکرده باشد بعد از سه روز بایع مختار
است که معامله را فسخ کند یا صبر کند و اگر مبیع چیزیستکه
بعد از یک روز فاسد میشود مثل سبزیجات بایع بعد از
یک روز خیار فسخ دارد

درس پنجاه و ششم

خیار غبن آنستکه هرگاه معلوم شود قیمت چیزیکه خریده
یا فروخته زیادتر یا کمتر از مقداریستکه معامله شده و
در وقت عقد عالم بقیمت نبوده بعد از علم مختار است که بیع را

فسخ کند یا بهمان مقدار قبول کند .

خیار رؤیت آنستکه جنس معیّن را در وصف ندیده با وصف بخرد بعد از دیدن اگر با آن اوصاف نباشد مختار بر فسخ است

خیار عیب آنستکه هرگاه مبیع معیوب در آید مشتری بعد از علم مختار است که آنرا پس بدهد یا قبول کند و ارش یعنی تفاوت ما بین قیمت صحیح و معیوب را از بایع بگیرد و در صورتیکه در وقت معامله عالم بعیب نباشد و اگر بعد از معامله تصرفی در مبیع کرده باشد ردّ نمیتواند بکند ولی ارش میگیرد عیب هر چیزیستکه در عرف و عادت آنرا نقص دانند مثل جنون و کوری و کری ارش تفاوت ما بین صحیح و معیب است از ثمن طریق شناختن ارش آنستکه قیمت صحیح و معیوب را معیّن کنند اگر قیمت صحیح پنج تومان باشد و قیمت معیوب چهار تومان پنج یک قیمت صحیح اگر یک تومان خریده باشد دو قران که خمس یک تومان که ارش است میگیرد

خیار تدلیس آنستکه بایع در مال خود حیله کند که بر خلاف آنچه واقع است بنماید مثل آنکه آب در شیر کند در اینصورت

مشتری بعد از علم میتواند معامله را فسخ کند

خیار شرکت آنستکه متاعی بخرد و بعد معلوم شود که قدری از آن مال غیر بوده و از غیر اجازه نگیرد پس مشتری چون شریک با آن غیر میشود مختار است معامله را فسخ کند یا همان مال بایع را قبول کند و آنچه از ثمن که مقابل مال غیر داده پس بگیرد و این را خیار تبعض صفقه گویند .

خیار تعذّر تسلیم آنستکه بعد از بیع تسلیم مبیع بر بایع دشوار شود مثل کبوتری که هر روز عادت داشته بر گردد و بعد از فروش نیامده است در اینصورت مشتری مختار بر فسخ است و اگر اصلاً قدرت بر تسلیم نباشد بیع باطل میشود

خیار اشتراط آنستکه در عقد بیع هر شرطی میتواند مثل اینکه شرط کند که مشتری فلان جامه را خیاطی کند یا کتاب معیّن مال بایع باشد در اینصورت واجبست وفاء بآن شرط و اگر وفا نکرد او را اجبار مینماید و اگر اجبار او ممکن نشد طرف دیگر مختار بر فسخ خواهد بود .

خیار تفلیس آنستکه متاعی بمفلسی بفروشد و حاکم آنمفلس را از اموالش منع کند برای طلبکاران در اینصورت بایع مختار است متاع خود را برداردیا بیع را قبول کند و با طلبکاران در مال مفلس شریک شود

تتمّه در تمام خیارات اگر در عقد شرط شود سقوط خیار کنند یا بعد از عقد آنکه خیار دار د خیار خود را اسقاط کند یا تصرّفی نماید که دلالت بر رضا مبیع نماید خیار او ساقط میشود و خیار بعد از مردن منتقل بورثه است و ورثه صاحب خیار میشوند

سؤالات

خیار چیست ؟ - عقد بیع را میتوان فسخ کرد یا نه ؟ - خیارات بر چند قسمست ؟ خیار مجلس کدامست ؟ - خیار حیوان چیست ؟ - خیار شرط چیست ؟ - خیار تأخیر ثمن کدام است ؟ - خیار غبن کدام است ؟ - خیار رؤیت چیست ؟ - خیار عیب کدامست ؟ - عیب چیست ؟ - ارش کدامست ؟ - طریق شناختن ارش چیست ؟ - خیار تدلیس کدامست ؟ - خیار شرکت چیست ؟ - خیار تعذّر تسلیم کدامست ؟ - خیار اشتراط کدام است ؟ - خیار تفلیس کدامست ؟

حکم خیارات کلّیه چیست ؟ - بیع نسیه چیست ؟ - بیع نقد کدامست ؟ - بیع کالی بکالی چیست ؟ - بیع سَلَم کدامست ؟ - شرایط سلم چیست ؟ - بیع تولیه کدامست ؟ - مرابحه چیست ؟ مواضعه کدام است ؟ - مساومه چیست ؟ - ربا کدام است ؟ - ربا در چه مورد حرام و در چه مورد صحیح و حلال است بیع صرف کدام است ؟ - در بیع صرف چه چیز شرط است ؟ - بعد از بیع بایع و مشتری مبیع و ثمن را چه باید بکنند ؟ - اگر مبیع پیش از تسلیم تلف شود حکمش چیست اجرت وزن و کیل و شماره مبیع و ثمن بر کیست ؟ - اجرت دلّال بر کیست ؟ - اگر متاع در دست دلّال تلف شود کی ضامن است ؟ ۱۰۳

درس پنجاه و هفتم - باب نهم - در اجاره

اجاره مستقل کردن منفعت است بغیر در مقابل عوض موجر بمعنی اجاره دهنده و مستأجر بمعنی اجاره کننده است .

شرایط اجاره از اینقرار است

اوّل - آنکه هر یک از موجر و مستأجر بالغ و عاقل و مختار و جایز التصرّف باشند .

دوّم - تعیین [illegible] اجاره میدهند عوض و منفعت و تعیین

مدتست مثل اجاره کردن شخص یکسال و یا بتعیین عمل است
چون خیاطی یك قبا یا بردن بار تا مسافت معین .
سوم - انکه منفعت مباح باشد و تسلیم ان بمستاجر ممکن باشد
چهارم - انکه منفعت ملك موجر باشد پس اگر ملك او نباشد
اجاره فضولی موقوف میشود باجازه مالك اگر اجازه کرد صحیح والا باطلست
پنجم - انکه انتفاع از آن مال برای مستاجر شرعًا و عرفًا
ممکن باشد پس اجاره زمین بی آب برای زراعت صحیح نیست

درس پنجاه و ششم - احکام اجاره

اول - اجاره عقد لازمست نمیتوان انرا فسخ کرد مگر باقاله
دوطرف یا بیکی از خیارات که در بیع گفته شد غیر از خیار مجلس
و حیوان و خیار تاخیر که در اجاره نباید و بموت موجر یا مستاجر
یا فروش عین باطل میشود .
دوم - هرگاه عینی که اجاره داده شده مال غیر در اید یا تلف شود
مثل اینکه خراب شود اجاره باطل میشود و اگر بعض از مال غیر باشد
سوم - بعد از عقد اجاره عین را بتصرف مستاجر بدهد و مادامیکه

تصرف نداده حق مطالبه مال الاجاره ندارد و اگر اجرت بر عملی
باشد بعد از عمل اجرت لازم میشود مگر انکه شرط مدت کرده باشد
چهارم - اگر عین در دست مستاجر تلف شود بدون تقصیر
ضامن نمیشود و با تقصیر ضامنست .

درس پنجاه و هفتم - باب دهم - در مضاربه

مضاربه انستکه شخص سرمایه بکسی بدهد که با ان تجارت و کسب
کند و حصه از منافع آن بردارد انکه سرمایه داده مضاربه گویند
و انکه تجارت میکند عامل و سرمایه را مال المضاربه
شرایط مضاربه از این قرار است : اول انکه مضارب و عامل
بالغ و عاقل و مختار و جایز التصرف باشند و مضارب مالك و
عامل باشد و حصه هر یك معلوم باشد مثل نصف یا ثلث

احکام مضاربه

- اول مضاربه عقد جایز است که هر وقت
میتوانند انرا فسخ نمود و بمردن یا دیوانه شدن یکی از انها باطل میشود
دوم - بظهور منفعت عامل مالك حق خود از منفعت میشود و
بدون تقصیر اگر مال در دست او تلف شود ضامن نیست .

سؤالات

اجاره کدامست؟ - شرایط اجاره چیست و کدامند؟ - احکام اجاره را بیان کنید؛ مضاربه چیست؟ - شرایط مضاربه چیست و کدامند؟ - احکام مضاربه چیست؛

درس شصتم - باب یازدهم در شرکت

فصل اوّل - اسباب شرکت چهار چیز است

اوّل - ارث   دوّم - مخلوط شدن اموال چند نفر با هم بطوریکه تمیز داده نشود

سوّم - مالک شدن چند نفر مالی را با هم به بیع و اجاره و غیر آن

چهارم - عقد شرکت

اقسام شرکت - شرکت چهار است .

شرکت در اموال - شرکت در اعمال - شرکت مفاوضه - شرکت وجوه

شرکت در اموال آنستکه در مال با هم شریک شوند و این قسم صحیح است

شرکت در اعمال آنستکه قرار بگذارند هر چه کار کردند با هم شریک باشند

شرکت مفاوضه آنستکه قرار دهند که هر منفعت و ضرری بآنها رسد از ارث و کسب و خسارات و غیر آن با هم شریک باشند

شرکت وجوه آنستکه چند نفر بی سرمایه قرار بگذارند که بنسیه خرید و فروش کنند و در نفع با هم شریک باشند و این قسم شرکت باطلست

شرائط عقد شرکت - چهار امر است

اوّل - ایجاب و قبول

دوّم - آنکه شرکاء بالغ و عاقل و جایز التصرف باشند

سوّم - جنس و مقدار سرمایه آنها موجود و معلوم باشد

چهارم - آنکه سرمایه آنها با هم مخلوط شود بطوریکه تمیز داده نشود

احکام عقد شرکت - اوّل آنکه هر یک از شرکاء

بنسبت سرمایه خود نفع و ضرر میبرد مگر اینکه ترتیب دیگری در عقد شرط کنند .

دوّم - هیچیک از شرکا بدون اذن دیگران نمیتوانند در مال مشترک تصرّف کنند .

سوّم - شرکت عقد جایز است و هر یک از شرکاء میتوانند آنرا فسخ کنند و بموت و جنون یکی از آنها باطل میشود .

درس شصت و یکم - فصل دوم - قسمت

قسمت بر دو قسم است: قسمت تراضی. قسمت اجباری

قسمت تراضی آنستکه شرکاء برضایت یکدیگر هر وقت بخواهند میتوانند مال مشترک را تقسیم کنند

قسمت اجباری آنستکه هر وقت یکی از شرکاء بخواهد حاکم شرع دیگرانرا مجبور بتقسیم میکند و این در صورتیست که از قسمت ضرر زیاد بشریک یکدیگر نرسد و محتاج نباشد که چیزی روی حصه یکی بگذارند تا با حصه دیگری مساوی شود. بعد از قسمت میتوان برضایت تمام شرکاء یا اینکه معلوم شود که قسمت بغلط واقع شده است

سؤالات

اشیاء شرکت چند چیز است و کدامند؟ - اقسام شرکت چند تا است و کدامند؟ شرایط عقد شرکت چند امر است؟ - احکام شرکت چیست؟ - قسمت بر چند قسم است؟ - بعد از قسمت میتوان آنرا برهم زد یا نه؟ -

درس شصت و دوم - در تقلید

تقلید عمل کردن بقول غیر است - تقلید در اصول دین نیست و در فروع دین هر کس مجتهد نباشد باید تقلید مجتهد جامع الشرایط نماید مگر اینکه بتواند عمل باحتیاط کند.

معاصی کبیره

گناهان بزرگ است که ارتکاب آنها موجب مجازات در دنیا و عذاب در آخرت است بعضی از آنها از اینقرار است

قتل نفس - سرقت - شرب خمر و سایر مسکرات - غیبت نمامی - قمار کردن - تهمت و افتراء زدن - شهادت بدروغ دادن کتمان شهادت - فتنه جوئی - عیبجوئی - شرک بخدا - فرار کردن از جهاد - سوگند بدروغ یاد کردن - تصرف مال یتیم - مأیوس شدن از رحمت خدای متعال - عاق والدین شدن - غصب مال غیر - قطع صله رحم - کم فروشی - اعانت ظالم در ظلم - گوشت خوک و مردار خوردن ترک عبادات واجبه - راهزنی - هجو کردن محترم - ترک عفت

تمّت الکتاب فی شهر جمادی الثانیه ١٣٤٩

مطبعه علمی

اخلاق

بسم الله الرحمن الرحیم

درس اوّل

مقدّم بر وظایف انسان پرستش خدا تعالی و اعتقاد بوجود
فایض الجودش که خالق زمین و آسمان و حیوان و انسان است
انسان کامل کسی را گویند که پس از اینکه خود را شناخت
باید خود را بشناسد و وظایف بندگی را بجا آورد.
اگر با یک دیدهٔ بصیرت و نظر عمیقانه بکرهٔ ارض نظاره
کنیم و این حالت انتظام و اوضاع طبیعی را مشاهده
نمائیم بدون شک و شبهه پی بوجود یک خالق و

صانعی برده که بقدرت کامله اش ما انسان و حیوان
و نبات و جماد را خلق فرموده و این خالق که ما را
از نیستی بهستی آورده و امورات زندگانی ما را
تهیّه نموده و هر نعمتی را بما عطا فرموده چنین خدا
باید به یگانگی و وحدانیت شناخت و ذات اقدسش را
تصدیق و ستایش نمود و کتاب آسمانی که بنام محمّد بن
عبدالله صلّی الله علیه و آله تمام انبیاء و پیغمبر
بر ما نازل شده مقدّس و محترم داشته و احکامش را
اطاعت و عمل نمائیم تا در دنیا و عقبی رستگار گردیم

درس دوّم

در تکالیف و وظایف نسبت بخود

وظایف انسانیت و تکالیف واجبه بشریّت
پس از شناختن خدای تعالی باید برای کمال تحصیل
بکوشد و در تهذیب اخلاق و حسن معاشرت
غفلت ننماید و از افعال رذیله و حرکات ناپسندیده

اجتناب و دوری نماید و از راهِ مشروعی معیشتِ خود را اداره کند و با خلق بطور صحت و امانت رفتار نماید و نیکی را شعار خود سازد. مهمّترین وظیفهٔ خود را راستی گفتار و درستی کردار بداند

راستیِ خویش نهان کس نکرد
بر سخنِ راست زیان کس نکرد
راستی آور که شوی رستگار
راستی از تو ظفر از کردگار
چون سخن راستی آری بجای
ناصرِ گفتارِ تو باشد خدای
(نظامی)

درس سیّم

تعلیمات در خصوص رفتارِ طفل در خانواده

حرکاتِ پسندیده و رفتارِ عاقلانهٔ اطفال نسبت با جزاءِ خانواده مدخلیّت کلّی در مهر

و زحمت و راستی و صداقتِ خود متکا را نرا منظور داشته و از احترام و اعزازِ آنها خودداری نکنند. هرگونه آسایشی را که برای خود میخواهند بجهت آنها نیز مهیّا سازند تا در نزد خدا یتعالی روسفید و در پیش خلق معزّز و محترم باشند

درس ششم

در پرهیزکاری.

یکی از صفاتِ پسندیده و خصلت برگزیده پرهیزکاریست پرهیزکاری یعنی احتراز از افعال و اعمالِ رذیله و اجتناب از منهیّات و محرّمات.

شخص پرهیزکار هرگز دروغ نگوید و راهِ تملّق و چاپلوسی نپوید.

پرهیزکاری شخص را از گمراهی میرهاند و بجادهٔ راستی و حقیقت میکشاند آدم پرهیزکار از کردار ناپسندیده و افعالِ رذیله و اعمالیکه منافی با

عفت و شرافت باشد منزه است پرهیزکار همیشه
محبوب خلق و منظور خالق است و از هر نوع معاصی
مبرا و نزد عامه مردم معزز و محترم است

درس هفتم

در سرپرستی

یکی از صفات ممدوحه آدمی سرپرستی بیچارگان و دستگیری
بینوایانست نخستین وظایف انسانی مساعدت و
همراهی در حق ایتام و مساکین است.
سرپرستی یکی از اعمال پسندیده و اخلاق حسنه و
خصلت برگزیده است.
در اینصورت لازمست که حتی الامکان در فراهم
کردن لوازم زندگانی مساکین و بیچارگان خود
داری نکرده و از هرگونه مساعدت دریغ ننماید

درس هشتم

در شرافت

شرافت اولین وظیفه آدمی و شریفترین مقام انسانیست
انسان باشرف همیشه طالب نیکی و اطاعت احکام
و اوامر الهی و خدمت هیئت جامعه است.
شخص باشرف و آبرو مقامی بلند و منزلتی بس
ارجمند دارد و مادام العمر بعزت و شرافت زندگانی
مینماید - انسان باشرف کلیتاً از افعال
و اعمال که منافی شرافت و آبرو است اجتناب
میورزد و از طریق مشروعی امورات خود را اداره مینماید

درس نهم

در عدالت،

یکی از صفات نیک و پسندیده و خصلت خوب و
برگزیده عدالتست که عقلا و دانشمندان
متصف بانرا ستایش کنند.
عادل کسیرا میگویند که بحقیقت و راستی رفتار نماید
عدالت شخص را از اعمال شنیعه و تعدی و تجاوز

باز میدارد و آدمیرا بافعال نیکو و مراعات کردن
بحقوق مدنیه و حسن عقیدت و آداب معاشرت وا
میدارد

خداوند تبارک و تعالی را عادل گویند زیرا که
تمامی نوع بشر در مقابل ذات اقدسش یکسان هستند

درس دهم

نجابت :

حیا و ادب تواضع و فروتنی یکی از صفات پسندیده
و خصال برگزیده است .

نجابت شخص را از افعال رذیله و اعمال ذمیمه باز میدارد
آدم نجیب هیچوقت از حدود و وظایف قانونی
تجاوز نمیکند و پیرامون تملق و چاپلوسی نمیگردد
نجابت شخص را از ذلت میرهاند و متصفانرا از
کارهای نامشروع باز میدارد .

آدم نجیب فطرتاً عادل و رحیم و دارای صفات حمیده

میباشد و از افعال و اعمالیکه مخالف با شرافت
خودداری میکند

درس یازدهم

سخاوت :

کرامت و سخاوت یکی از صفات ممدوحهٔ انسانی و
قابل تحسین دوست و دشمن است

بخشش صفت مردان و بخل و حسد دو پیشه پست فطرتان است
سخاوت بمعنی بخشش است خواه مادی و خواه معنوی یا
نوعی مانند مؤسسه های ملی و تأسیسات خیریه و غیره
مردمان باکرم در نزد خلق محترم و معزز زند بالاخره

درس دوازدهم

مضرات خشم و غضب : یکی از صفات ذمیمه
و اخلاق نکوهیده همانا خشم و غضب است
تندی پشیمانی آرد و درشتی ملامت غضب
عمر را کوتاه مینماید و خشم بر ضعف بیفزاید

داناترین اشخاص کسی را گویند که این صفت بد و خوی حیوانی را از خود دور کنند زیاد بردبار و حلیم و نه دائما خشمناک و غمگین باشد .

تکالیف والدین نسبت باولاد

پدر و مادر موظفند که لوازم زندگانی اولاد خود را حتی المقدور فراهم آورند و در تهذیب اخلاق و حسن معاشرت آن بکوشند و چون بسن هفت سالگی برسند آنها را بمدرسه گذارند و لوازم تحصیل اطفال خود را از هر جهت مهیا سازند چون دوره تحصیل باتمام رسد او را بکسب و حرفه بگمارند تا وسائل زندگانی و امور معاشیه خود را از طریق مشروعی اداره نمایند .

درس سیزدهم

تکالیف مبادله برادران و خواهران :

برادر و خواهر بعد از پدر و مادر باید نسبت بیکدیگر مهربان باشند و احترام و اعزاز همدیگر را فرض و لازم شمرند و بیک محبت صمیمی و ارادت قلبی با یکدیگر رفتار نمایند - تندی و غضب و درشتی را ترک و در صورت تقصیر در مقام عفو و اغماض برآیند و از انتقام چشم پوشند تا دنباله محبت بریده نگردد و همه روزه بر انس و علاقه و الفت بیفزایند تا وسیله کدورت و نفاق و دوئیت بدست نیاید

درس چهاردهم

تکالیف نسبت باموزگار

اطفال عموما باید مدیر و معلم خود را قلبا دوست بدارند و نهایت ادب و احترام را درباره آنها مرعی داشته و نصایح و اندرز آنان را واجب فوری بدانند و حق معلم خود را بجا آرند و حقوق او را مقدس دانسته پیروی فرمایشاتش را بنمایند

تا بسعادت و مقام شرافتمندی و اکمال و نواقص
زندگانی موفق و نائل شوند چون معلم مربی و
تربیت کنندهٔ انسان است و موجبات تکمیل و
نمو روح را مهیا میسازد بدین جهت اطاعت
اوامر فریضهٔ هر متعلم است .

درس پانزدهم

تکلیف نسبت برفقای مدرسه :

اطفالی که در یک مدرسه مشغول تحصیلند حتی
الامکان با یکدیگر باید موافقت داشته و با
هم رفیق و برادر و با جان برابر باشند .
متعلمین در مواضع لزوم نباید از معاونت و مساعدت
با همدیگر دریغ و از هر چیز مضایقت نمایند
و باید خود را مساوی و برادر روحانی بدانند
و از تکبر و افتخار که از اخلاق ذمیمه است دوری
جویند که اشخاص خود پسند و متکبر همیشه

در نزد مردم خوار و ذلیلند بر خلاف آدم متواضع
نزد خلق معزز و محترم است .

درس شانزدهم

تحصیل علم و لزوم مداومت در آن :

اطفال عموماً از سن هفت سالگی با کمال جدیت
باید مشغول تحصیل شوند و برای انجام وظایف
و تکالیف مدرسه و اوامر و طاعت معلم که پدر
روحانی ما هستند جد و جهد نمایند پس از
تکمیل علم اخلاق سعی کنید که عالم بعلوم واجبه
و واقف بامور عالم و لایق بمقام عالی شوید
البته بدیهی است که پس از طی تحصیل و تهذیب
اخلاق خود را از مرتبهٔ حیوانی بمقام
عالی انسانی رسانیده و در هیئت جامعه
مقامی بلند و رتبهٔ ارجمندی را فائز میشوید .
ثروت و تمول البته و عظمت هر کس مربوط بعلم است

علم انسان را بدرجات عالی و مقام شرافتمندی میرساند علم ما یحتاج زندگانی را فراهم و آسایش بنی نوع بشر را مهیا میسازد.

درس هفتم
آداب معاشرت

یکی از صفات ممدوحه آدمی طرز معاشرت و آمیزش با خلق است این امر صورت خارجی پیدا نکند مگر آنکه حقیقت راستی و صداقت را پیشه کنند صحت عمل یکی از آداب معاشرتست که بدون آن زندگانی و آسایش روحی و جسمی را ثبات و دوامی نخواهد بود چون انسان نمیتواند شخصاً لوازم زندگانی و ما یحتاج ضروریه خود را تهیه و تدارک نماید و در این صورت محتاج بمعاونت و مساعدت دیگران است.

صحت عمل شخص را باوج اعلی و عدم آن باسفل

درکات میکشاند هر کس مخالف حقیقت و راستی رفتار کند خود را منفور ملت و مردود دولت و بالآخره اموراتش مختل و آسایش و زندگانیش درهم و برهم خواهد شد.

برای سال ششم مدارس ابتدائی
درس اول

معنی تکلیف و تعلق آن بشخص عاقل :

تکالیف عبارت از انجام حرکاتی است که بهر شخص عاقل لازم و واجب است.

شاگردانی که قسمت اول سال پنجم این کتاب را خوانده اند ترتیب حرکات و رفتار خود را نسبت بخانواده و مدیر و معلم و دیگران فهمیده اند و انجام تکالیف لازمه خویشتن را دانسته اند در اینجا معنی تکلیف را مختصراً بیان کرده متعلمین را با نجام آن توصیه میکنیم.

تقوی و دیانت	انصاف و مروت
صفاء و محبت	صدق و سخاوت
تعصب و حمیت	سطوت و صلابت
عزم و صولت	عدل و نصفت
امن و صحت	مصانع و ثروت
عفاف و عصمت	پاکی عقیدت باسلام

نتایج صالحات عام و خاص

یعنی اطاعت باحکام خدای تعالی و قبول رسالت پیغمبر محمد بن عبد الله و ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و عمل بفرمایشات آنها تکلیف هر عاقل و مسلمانی است .

درس دوم

۲ — تکالیف اجتماعی

یکی از وظایف انسانی انتظام امور زندگانی و عالم بودن بمقتضیات دنیای کنونی است شخص عاقل پس از اختبار تا اهل متحداً در تحت

قاعدهٔ صحیح زندگانی نموده متدرجاً تشکیل جمعیت میدهند تا بدین وسیله بتوانند طبیعت جامعه خود خدمتی نمایند .

درس سیم

۳ — فداکاری در راه دین و شرف و وطن ،

نخستین صفات پسندیده و خصائل برگزیده فداکاری در راه دین و شرف و وطن است حب وطن آدمیرا از ذلت و بندگی و اسارت اجانب میرهاند دین و شرف در حفظ وطن محفوظ میماند ملتی که معنی وطن را بداند از ایثار جان و مال مضایقت و خودداری نمیکند آدم شرافتمند حقوق ملی را بکرورها نفروشد .

بادی ملتی که حب وطن را فریضه ذمت خود نموده دیانت و شرافت و ثروت و آزادی آنان محفوظ ماند

درس چهارم

۴ – رعایت اطاعت قوانین :

مقدم بر تمام تکالیف و جامع کلیهٔ وظایف انسانی حرمت و حفظ اجرای قوانین است قانون حدود و تکالیف هر کس را معین میکند کلیتاً وضع قانون از برای فوائد عمومی است نه از برای منافع خصوصی .

۵ – رعایت آزادی دیگران :

چون خداوند تبارک و تعالی نوع بشر را در امورات خود مختار و آزاد خلق کرده است بدین جهت رعایت آزادی آنها واجب و اهمیت فوق العاده در هیئت جامعه دارد انسان فطرتاً طالب است که در اعمال و افعال و افکار خود آزاد و مختار باشد تا بتواند حقوق خود را حفظ و امورات زندگانی و حیات اقتصادی خود را منظم نماید .

در اینصورت رضایت شرط اعظم آزادی و عدم رضایت سلب آن است قانون اساسی حدود و وظایف هر کس را تعیین کرده همین رضایت اسباب آزادی خود و دیگران است هر که سلب آزادی و مخالف قوانین مملکتی رفتار کند مقصر است و باید مجازات شود .

درس پنجم

ششم – انصاف :

یکی از صفات نیکو و پسندیده انصاف است شخص با انصاف خوب و بد و زشت و زیبای خود و دیگران را تمیز داده در نزد وجدان خود حکمیت و قضاوت میکند .

آدم با انصاف همیشه حاکم است زیرا که خواهش شهوانیه را نپذیرد و رشوه و تعارف نستاند تندی و درشتی را شایستهٔ خود نداند .

آدم بی انصاف منافع شخصی را بر منافع عمومی ترجیح دهد و شهادت ناحق را شعار خود سازد

درس ششم

هفتم - وفای بعهد و اهمیت قول و امضا یکی از صفات ممدوحه و خصلت برگزیده است که عقلا و دانشمندان متصف بآنرا ستایش و تحسین کنند و مصاحبت و معاشرتش را غنیمت شمرند و حفظ احترام شرافتش را لازم شمرند. لیکن نقض عهد و شکستن پیمان و عدم اعتبار قول و امضا شخص را خوار و در نزد مردم شرمسار سازد.

وفای بعهد و پیمان و احترام قول و امضا در هیئت جامعه مدخلیت کلی دارد بواسطه همین صفات حمیده و خوی پسندیده روابط و دوستی را بنوع بشر مستحکم و طرف اعتماد و اطمینان هیئت جامعه گردد عدم اعتبار قول و امضاء سلب شرافت و اختلال در امور زندگانی را مهیا سازد

درس هفتم

هشتم - فوائد ثبات و مضرات تردید

عزم و همت و استقامت در کارهای مشروع ممدوح و مطلوب است برخلاف تردید را و عدم استقامت موجب ندامت و پشیمانی و بالاخره شخص را دوچار فقر و پریشانی گرداند ثبات رای مدخلیت کلی در امور زندگانی دارد و عادت بهر کاری شخص را از پستی نجات دهد و باوج اعلی رساند آدم بی ثبات و دون همت و مردد بمقصود نائل نشود و بار خود را بمنزل نرساند

همت اگر سلسله جنبان شود
مور تواند که سلیمان شود

درس هشتم

نهم - عیوب کاهلی و اهمال :

کاهلی در امور دنیوی و اخروی موجب پریشانی و معاصی است آدم تنبل و بیکار اگر که روزها ثروت و تمول داشته باشد عاقبت زیر دست ناکسان گردد و سر تمکین نزد هر نا اهلی فرود آورد اشخاص مهمل علاوه بر آنکه خود را در مضیقه و خانواده را بزحمت میاندازند خیانت بزرگی هیئت جامعه مینمایند

دهم - قدر و قیمت وقت و زمان

انسان باید وقت خود را اهمیت داده و دقایق از اوقات عزیزش را بیهوده صرف ننماید و عمر گرانبهای خود را ببطالت نگذراند و کار امروز بفردا نیندازد که وقت از دست رفته بدست نیاید .

درس نهم

یازدهم - احتراز از معاشرت با بدان :

انسان حتی الامکان باید از مصاحبت و معاشرت با بدان خودداری و از دوستی آنان اجتناب کند زیرا که عادات و حرکات اینگونه اشخاص تاثیر کلی در شخص دارد عاقل کسیرا گویند که از معاشرت و مجالست با جهال کناره نماید و آنانرا مرده متحرک پندارد

دوازدهم - معاشرت با دانشمندان و نیکان

مصاحبت و معاشرت با نیکان مخصوصاً با دانشمندان یکی از صفات نیکو و قوه ایست که شخص است که آدمی را از حضیض ذلت باوج عزت رساند معاشرت و مجالست با دانشمندان آدمیرا از خوی نکوهیده و صفات ناپسندیده میرهاند بعکس اشخاص رذل اخلاق را فاسد و شرافت شخص را زائل و از هستی ساقط سازند .

اشخاص دانشمند در قلوب مردم تخم دوستی

بکارند و ریشهٔ دشمنی را برآورند.

درس دهم

سیزدهم - ابراز لیاقت :

یکی از صفات انسانی و خصال آدمی ابراز لیاقت است زیرا که شخص با لیاقت بزرگ منش و جوانمرد و سخی طبع و دارای صفات حمیده و خصلت برگزیده است اینگونه اشخاص در نظر هر قوم و ملتی در پیشگاه جامعه محترم و معزز است آدم بی لیاقت قابل کاری نباشد و تحمل امری را نشاید.

چهاردهم - مدافعه از حقوق :

یکی از بهترین خوی پسندیده و نیکوترین خصال برگزیده مدافعه از حقوق است انسان برای حفظ حقوق خود باید بکوشد تا لباس شرافت و نیکنامی بپوشد

ملتی که حقوق خود را نشناسد طوق بندگی و

…ت دیگران را از جهالت بگردن اندازد.

مدافعین حقوق بهیئت جامعه خدمت میکنند و از ظلم ظالمین و تجاوزات آنان مدافعه کرده حقوق مردم را محافظت مینمایند.

بهر جهت دفاع از حقوق بهر نحوی که باشد ممدوح و پسندیده است.

درس یازدهم

- حفظ شرف و آبرو و احترام دیگران :

…ات حسنه و خصال پسندیده حفظ …ف و احترام دیگران است.

… شرف رضا نمیشود که دامان بی آلایش … هموطنان خود را بتهمت و افتراء ملوث و … شرافت و آبروی یک خانواده و فامیلی را … ننگین نماید انسان با شرف مقام و منزلت هر کس را میداند و حفظ شرف و آبروی هر قوم

و ملتی را میدارد .

متهم کردن اشخاص یکی از صفات نکوهیده و
رعایت احترام و آبروی مردم صفت پسندیده است

در وجودت چه خوی نیکو نیست
تهمت بد بدیگران چیست

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب
فی شهر جمادی الثانیه ۴۹

مطبعه علمی
محل فروش
طهران خیابان ناصریه مغازه
شرکت محدود طبع کتاب

دورهٔ دوم و سوم

فقه فارسی

با شرعیات جدید باضافه اخلاق

مطابق آخرین پروگرام جدید وزارت جلیله معارف

«(تالیف)»

آقا میرزا سید محمد قمی

کلاس پنجم و ششم مدارس ابتدائی ایران

طبع دهم

مرکز فروش طهران خیابان ناصریه

شرکت محدود

(طبع کتاب)

(مطبعهٔ امید - طهران)

۲۹۷/
۳۴۲.۷
ق
۷۷۳
ف

شرکت محدود طبع کتاب

برای طبع و نشر آثار متقدمین از شعراء و فضلاء و ادبای ایران با سرمایه کافی جدیداً تأسیس شده و از آثار شعراء و ادبای معاصرینی هم که معروف بوده و بفضل و ادب شهرت داشته باشند نیز اقدام بطبع ونشرخواهدنمود و برای بسط وترویج معارف ایران کتبی که مطالعه[illegible] جهت عامه مفید باشد تالیف و طبع مینماید وهموار[illegible] خواهدکردکه نافعترین وبهترین کتب قدیم وجدید از کتب درسی وفنی و علمی واخلاقی وادبی را با نیکوترین طرز طبع کرده و بارزانترین قیمت بفروش رساند.

شرکت طبع کتاب در سایه دانش ارباب ذوق وادب ومروجین علم و هنر که وجود آنها بینهایت کم و مغتنم است مترصد آن میباشد که بوسیله انتشارات مرتب وقدرت تأثیر کتب مطبوعهٔ خود جنبشی بعالم علم و معرفت عامه داده وظلمت جهل ونادانی عمومیرا بکوکب درخشان دانش مرتفع سازد تا در سایهٔ دانائی عمومی نکبت وفقر واسارت زائل ومملکت بشاهراه سعادت ونیکبختی سوق داده شود.